

چاپ نوشت (۴)

مالیات گیلان پشتوانه باسمه خانه طهران

۳۹-۷۷



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده: مؤلف در این مقاله با اشاره‌ای اجمالی به چگونگی سرآغاز ورود صنعت چاپ سنگی به ایران و در شهر تبریز ضمن بررسی منابع کتابخانه‌ای و آرشیوی به چگونگی شکل‌گیری باسمه‌خانه طهران به عنوان اولین چاپخانه سنگی واقع در طهران دوره پادشاهی محمدشاه قاجار پرداخته و ضمن معرفی حامیان و دست‌اندرکاران آن به معرفی آثار منتشره در این چاپخانه و همچنین چگونگی تأمین هزینه‌های راه‌اندازی این چاپخانه می‌پردازد. با ارائه این اسناد بخوبی مشخص می‌گردد که هزینه‌های تأسیس باسمه‌خانه طهران و انتشار روزنامه کاغذ به عنوان اولین روزنامه ایران از طریق مالیات مردم گیلان تأمین می‌گردیده است.

کلیدواژه: باسمه‌خانه؛ چاپخانه؛ محمدشاه قاجار؛ طهران؛ میرزا صالح شیرازی؛ حاجی میرزا آقاسی؛ مالیات؛ گیلان؛ میرزا عیسی خان والی؛ الکسندر خودزکو؛ حاجی میرزا آقاسی؛ چاپ سنگی؛ کاغذ اخبار

در اینجا لازم میدانم از این دوستان و بزرگوارانی که نگارش این مقاله را مدیون مرحام آنها هستم کمال تشکر و قدردانی را بکنم. استاد هادی میرزائزاد موحّد که با بزرگواری تمام تصاویر مجموعه اسناد خودزکو را در اختیارم نهادند، استاد عبدلی آشتیانی که در بازخوانی اسنادی به خط سیاق کمک قابل توجهی به حقیر کردند، سرکار خانم میترا حسنی که در بازخوانی چند سند یاری رسان من بودند، دوست عزیزم جناب آقای شریف‌زاده که در دسترسی به چند سند از کتابخانه ملی با محبت خود مرا شرمند نمودند و همچنین آقای دکتر برنا ایزدپناه که تصاویر دو شماره از روزنامه کاغذ اخبار موجود در کتابخانه بریتانیا را برای اینجانب ارسال نمودند.

Notes on Book Publishing (4)
The Tax of Gilan Province Supported
the Establishment of the First Publishing
House in Tehran

Majid Gholami Jaliseh

Abstract: In this article, with a brief reference to how the lithographic printing industry entered Iran and in the city of Tabriz, by examining library and archival sources, the author discusses how the Bāsmekhāneh of Tehran (Tehran Publishing House) was established as the first lithographic printing house located in Tehran during the reign of Mohammad Shah Qajar, while introducing the supporters and those involved in it. It introduces the works published in this printing house and also the money which was used to support its establishment. With the presentation of these documents, it becomes clear that the costs of establishing Tehran's printing house and publishing Kaghaz newspaper as Iran's first newspaper were financed through the taxes of the people of Gilan province.

Keywords: Printing House; Mohammad Shah Qajar; Tehran; Mirza Saleh Shirazi; Haji Mirza Aghasi; Taxes; Guilan; Mirza Isa Khan Vali; Alexander Khodzko; Haji Mirza Aghasi; Lithography; Newspaper

درآمد

با ورود صنعت چاپ تجدد و نوگرایی در ایران آغاز می‌گردد. تکنولوژی که آگاهی و دانش را از شکل محدود و انحصاری آن خارج و برای همگی طبقات جامعه در سراسر ایران در دسترس قرار می‌دهد. ورود این تکنولوژی به ایران و رشد و گسترش آن دارای چالش‌ها و فراز و نشیب‌های مختلفی است و مع الاسف آگاهی‌های ما از ورود تا فراگیری آن اندک است.

توجه و یا عدم توجه پادشاهان و دولت‌ها در توسعه صنعت چاپ و هزینه‌کردهای مادی و معنوی آنها، آئینه‌ای تمام‌نما از اهتمام و جدیت آنها در راه رشد و توسعه فرهنگی، علمی، سیاسی و ... جامعه است. عدم استقبال صفویه، افشاریه و زندیه به رسانه چاپ و در نهایت اقبال، توجه و سرمایه‌گذاری جدی قاجاریان در این صنعت موجب گردیده تا این دوره تاریخی به شکلی ویژه‌ای از دوره‌های قبل خود متمایز گردد.

چاپ تا زمانی که در تبریز بود شانس و امکان آنرا نداشت که در ایران آن روزگار توسعه پیدا کند و برای اولین بار به دستور فتحعلی شاه قاجار و همت و هنرمندی میرزا زین‌العابدین تبریزی بود که به سال ۱۲۳۹ق. در طهران فتحعلی‌خانی، انتشار پیدا کرد و سرآغازی برای تحولات و گسترش این تکنولوژی در پایتخت و بعد از آن در اصفهان و حتی همدان گردید.

هرچند چاپ سربی به مدد هنرمندی میرزا زین‌العابدین تبریزی و حمایت‌های مالی و معنوی منوچهرخان گرجی توانست مفهوم چاپ و انتشار کتاب به معنای مدرن خودش را در جامعه آن روزگار به رخ بکشد، اما مع الاسف هیچگاه نتوانست در دهه‌های اولیه، جانشین و بدیلی برای کتاب به مفهوم سنتی آن باشد. چرا که آن شکل از کتاب با تکنیک چاپ سربی با ذوق و سلیقه ایرانی که شناختش از کتاب همان شکل و هیبت سنتی برگرفته از هنر خوشنویسی و کتاب‌آرایی ایرانی بود هیچ تناسبی نداشت. در کنار این مهم هزینه بالای این شیوه از چاپ و سختی‌های تکنیکی و زمانبر آن نیز مزید بر علت بود. و ازین رو توسعه چاپ حروفی در ایران آن روزگاری بسیار بطیء و محدود است.

میرزا صالح شیرازی، مرد فرنگ رفته‌ای که نزدیکی از بهترین چاپچی‌یان آن روزگار یعنی ریچارد واتر^۱ در یکی از بهترین چاپخانه‌های انگلستان با تکنیک چاپ سربی آشنا شده بود، با کوله‌باری از تجربه و با دستگاه و تجهیزات چاپ پا به ایران می‌گذارد. برای ما مشخص نیست که چرا علی‌رغم تصمیم و اراده خودش موفق نمی‌شود که چاپخانه خود را تأسیس نماید و بجای کار چاپ به امور دیپلماتیک در دربار قاجار مشغول می‌گردد. اما پرداختن به این امور هرگز نتوانست از شور و اشتیاق او به این مهم بکاهد و از قبل یکی از همین فعالیت‌های دیپلماتیک است که او موفق می‌شود با تکنیک دیگری از

1 . Richard Watts.

صنعت چاپ آشنا و نقطه عطف دیگری در زندگی او و البته تاریخ فرهنگ ایران شکل بگیرد.

پس از قتل سفیر روسیه، الکساندر گریبایدوف (۱۷۹۵-۱۸۲۹ م.)^۲ در ایران به جهت غائله‌ای که در سال ۱۸۲۹ م./ ۱۲۴۴ ق. اتفاق افتاد، عباس میرزا هیئت‌ی به سرکردگی پسر خود، خسرو میرزا (۱۲۲۶-۱۳۰۱ ق.) با هدف دلجویی به روسیه فرستاد. میرزا صالح شیرازی نیز به عنوان مترجم با این گروه همراه بود.^۳

در جریان بازدید از کاخ امپراتوری ارمیتاژ در یکی از بخش‌های کاخ (مقابل عمارت زمستانی امپراتور)، که چاپخانه‌ای وجود داشت میرزا صالح با تکنیک چاپ سنگی آشنا می‌شود.^۴ و از ژنرال روسی سوختلن^۵ که هیئت ایرانی را همراهی می‌کرده می‌خواهد که یک دستگاه چاپ سنگی کامل به همراه یک استادکار چاپ به او داده تا با خود به ایران ببرد.^۶

با وارد نمودن این تکنیک چاپ به شهر تبریز میرزا صالح موفق می‌گردد اولین کتاب چاپ سنگی ایران را در سال ۱۲۴۹ ق.، چاپ و منتشر نماید و به این ترتیب صنعت چاپ ایران وارد مرحله جدیدی از توسعه و فراگیری خود می‌شود.

تکنیک چاپ سنگی این قابلیت را داشت که همان شکل و مفهوم سنتی کتاب که ایرانیان با آن مأنوس بودند را عرضه نماید و از همه مهم‌تر سرعت انتشار کتاب با استفاده از این تکنیک بیشتر و هزینه تمام شده آن هم پائین‌تر بود.

عباس میرزا به عنوان یکی از حامیان بزرگ صنعت چاپ در تاریخ ۱۰ جمادی الثانی سال ۱۲۴۹ ق. از دنیا می‌رود و این در حالی است که اولین کتاب چاپ سنگی یعنی «قرآن» چند ماه بعدتر در تاریخ ۲۵ رمضان چاپ و انتشار می‌یابد،^۷ حدود ۹ ماه بعد از انتشار این کتاب نیز فتح‌علی شاه قاجار در تاریخ ۱۹ جمادی الثانی سال ۱۲۵۰ قمری تخت سلطنت را رها و به دیار باقی می‌شتابد و اینگونه به نظر می‌رسد که میرزا صالح شیرازی و چاپخانه چاپ سنگی او که با حمایت‌های شخص عباس میرزا در تبریز راه‌اندازی گردیده حامیان خود را از دست داده و در ابتدای حرکت خود با بحران روبرو گشته است.

ورود میرزا صالح شیرازی به طهران

محمد شاه بعد از آنکه توانست بحران جانشینی فتح‌علی شاه را پشت سر گذاشته و بر مسند قدرت

2. Alexander Griboyedov

۳. سفرنامه‌ها: میرزا صالح شیرازی: ۵۹۵.

۴. سفرنامه خسرو میرزا: ۲۷۵.

5 Sukhtelen

۶. تاریخ چاپ سنگی در ایران: ۴۸.

۷. شرح مختصری بر چاپ سنگی: ۲۲.

تکیه بزند، میرزا صالح شیرازی را برای سمت مترجمی و رابط بین دربار و وزرای مختار خارجه به طهران فراخواند.^۸

راه اندازی یک چاپخانه سنگی در طهران مستلزم هزینه های فراوانی چون مکان چاپخانه، دستگاه چاپ، سنگ چاپ، کاغذ، جوهر، استخدام خوشنویس، تصویرگر، چاپچی، کارگر و... است و در آن روزگار پرداختن چنین هزینه هایی بدون حمایت های حکومت وقت و یا سردمداران و تاجران متول امکان پذیر نبود. خاصه آنکه ملزومات اولیه این چاپخانه مانند دستگاه چاپ، سنگ چاپ، کاغذ و جوهر نیز باید از روسیه به ایران وارد می گردید و همین مهم نیز نیازمند حمایت های دیپلماتیک و صرف هزینه های بسیار بود.

میرزا صالح شیرازی در استمرار تلاش های پیشین خود در تبریز تصمیم می گیرد که حمایت شاه و اطرافیان او را جلب نموده تا چاپخانه دیگری از همین جنس در طهران بنا نماید. و در نهایت موفق می گردد توجه محمداشاه قاجار و البته شخص اول و مرد پرنفوذ دربار، حاجی میرزا آقاسی (۱۲۵۱-۱۱۹۸ق.) را جلب نماید.

حامیان و دست اندرکاران تأسیس چاپخانه

درست است که اولین چاپخانه ایران در تبریز با پیگیری ها و حمایت های مالی عباس میرزا نایب السلطنه تأسیس می گردد اما شکی نیست که پادشاه وقت فتحعلی شاه نیز به اهمیت این صنعت واقف بوده است. چرا که شش سال بعد از انتشار اولین کتاب چاپی ایران یعنی «رساله جهادیه» میرزا عیسی قائم مقام فراهانی در سال ۱۲۳۳ق.، او میرزا زین العابدین تبریزی را به طهران فراخوانده و دستور تأسیس اولین چاپخانه در طهران با استفاده از تکنیک چاپ سربی را صادر می نماید و با حمایت های معنوی و چه بسا مادی فتحعلی شاه کتاب «محرق القلوب» ابی ذر نراقی در صفر سال ۱۲۳۹ق. در طهران چاپ و انتشار می یابد. بعد از انتشار این کتاب است که منوچهرخان گرجی (د: ۱۲۶۹ق.) سخاوتمندانه به حمایت این چاپخانه می پردازد و تا سالیان سال این همکاری و حمایت ادامه پیدا نموده و منتج به چاپ و انتشار دهها جلد کتاب می گردد.

گرانی دستگاه چاپ و دیگر تجهیزات مورد نیاز و همچنین هزینه های مصرفی مانند کاغذ و جوهر در کنار هزینه های پرسنلی از طرفی و از طرف دیگر قیمت تمام شده بالای کتاب و کمبود کتابخوان و خریدار کتاب موجب گردید، حداقل تا دو دهه اول ورود این صنعت به ایران، چاپخانه های تأسیس شده منحصر دولتی باشند.

راه اندازی اولین چاپخانه سنگی ایران در شهر تبریز نیز با حمایت های شخص عباس میرزا به سرانجام



تصویر ۱. حاجی میرزا آقاسی در سمت راست و محمدشاه قاجار در سمت چپ تصویر (موزه مترو پولیتن نیویورک) رسید و بعد از درگذشت او و فتحعلی شاه، اصلی ترین حامی میرزا صالح برای راه اندازی باسمه خانه طهران شخص محمدشاه است. میرزا صالح شیرازی در طلوعه روزنامه کاغذ اخبار، هدف از انتشار این روزنامه را چنین بیان می کند:

«برای صوابنمای ساکنین ممالک محروسه مخفی نماناد که همت ملوکانه اولیای دولت علیه مصروف بر این گشته است که ساکنین ممالک محروسه تربیت شوند و از آنجا که اعظم تربیت آگاه ساختن از کار جهان است لهذا به حسب حکم شاهنشاهی کاغذ اخباری مشتمل بر اخبار شرقیه و غربیه در دارالطباعه ثبت و به اطراف و اکناف فرستاده خواهد شد»^۹

او در طلوعه این روزنامه عنوان می کند که حسب حکم شاهنشاهی «کاغذ اخبار» منتشر می شود. در سند دبگیری (تصویر ۰۴) که حکم برادر میرزا صالح شیرازی برای منشی گری کاغذ اخبار صادر شده چنین آمده که:

«... بعد آنکه چون خاطر خطیر همایون بتربیت ارباب صنایع و اصحاب بدایع مایل است علی الخصوص باسمه خانه که کاغذ اخبار آن بهمه بلاد و امصار میرود...»

هورا تیوساتیت نیز که به سال ۱۸۴۰م. در ایران بوده در سفرنامه خود به «کاغذ اخبار» اشاره و تصریح می‌کند که این روزنامه تحت نظر شاه چاپ و انتشار می‌یابد.

«... تنها امری که حکایت از پیشرفت در ایران می‌کند تأسیس روزنامه‌ای است که به سال ۱۸۳۷ در طهران تحت نظر شاه شروع به چاپ شده. این روزنامه به چاپ سنگی منتشر می‌شود و مقصود و منظور آن تبلیغ شاه و کارهای اوست با این وصف تأسیس این روزنامه یکی از قدم‌های مهم در پیشرفت ایران است و نتایج مهمی دربر خواهد داشت.»^{۱۰}

حاجی میرزا آقاسی

حاج میرزا عباس یا ملاعباس ایروانی متخلص به فخری و معروف به حاج میرزا آقاسی فرزند حاجی میرزا مسلم ایروانی در سال ۱۱۹۸ق. متولد گردیده و به مدت چهارده سال صدر اعظم محمدشاه قاجار بود و بعد از آنکه محمدشاه درگذشت از سمت خود خلع و با اجازه ناصرالدین شاه روانه عتبات گردید و در رمضان سال ۱۲۶۵ق. درگذشت. مردم در غیابش او را حاجی یا حاجی آقا می‌گفتند. وی از شاگردان آخوند ملاعبدالصمد همدانی صاحب کتاب «بحر المعارف» است و مدتی به همراه استادش در کربلا معجور گردید و بعد از قتل استادش توسط وهابیان به سال ۱۲۱۶ق. به ایران بازگشته و در تبریز مسکن گزید و تعلیم فرزندان عباس میرزا نائب السلطنه از جمله محمد میرزا را عهده دار گشت.

محمدشاه در آغاز سلطنت میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی (د: ۱۲۵۱ق.) را به صدرات برگزید اما او فقط هشت ماه صدر اعظم بود و در نهایت به جهت دسیسه‌های اطرافیان خلع و در صفر سال ۱۲۵۱ق. کشته شد و پس از او حاجی میرزا آقاسی به مقام صدرات رسید.

بسیاری معتقدند که این صدرات موجب خسارت به مملکت بود چرا که حاجی میرزا آقاسی از سیاست و زمامداری بی‌اطلاع بود. و از همین رو بسیاری از اطرافیان محمدشاه را رنجاند و ناراضی نمود. اما با همه این قضایا او در مدت چهارده سال صدرات خود فعال ما ی‌شاء و متنفذ در عقیده و اراده شاه بود و ملقب و مشهور به لقب شخص اول شد.^{۱۱}

شکی نیست که پادشاه وقت یعنی محمدشاه در جریان راه‌اندازی این چاپخانه بوده است، اما در تمامی مکاتبات و اسناد موجود به پرننگی این حاجی میرزا آقاسی است که پیگیری انجام این مهم را می‌نماید.

۱۰. سیر ارتباطات اجتماعی در ایران: ۳۵.

۱۱. رجال ایران: ۲/۲۰۳-۲۰۹.

راه‌اندازی باسمه‌خانه طهران در حالی قرار است صورت بگیرد که درست در همان زمان چاپخانه‌های سربی متعددی در طهران مشغول به فعالیت هستند و یکی از مهمترین آنها یعنی چاپخانه میرزا زین‌العابدین تبریزی با حمایت‌های سخاوتمندانه معتمدالدوله گرجی به چاپ و انتشار کتابهای مختلفی از آثار علما و روحانیون قدیمی و جدیدی چون علامه مجلسی و محمدابراهیم کلباسی، محمد حسن صاحب جواهر، محمدباقر شفتی و ... مشغول است. دور از ذهن نیست که رقابت و چشم و هم‌چشمی میان حاجی میرزا آقاسی و معتمدالدوله بود که به حمایت از میرزا صالح شیرازی برای تأسیس یک چاپخانه چاپ سنگی در طهران منتج گردیده باشد.

میرزا صالح شیرازی از زمان حضورش در طهران این شانس را پیدا می‌کند که مورد حمایت شخص اول یعنی حاجی میرزا آقاسی قرار بگیرد. اینکه این اتفاق چگونه می‌افتد و آیا در زمان حضور او در تبریز رابطه، علقه و علاقه‌ای میان این دو بوده که در طهران هم استمرار پیدا می‌کند یا نه برای ما مشخص نیست.

تأمین بودجه برای راه‌اندازی این باسمه‌خانه اولین گام و مهمترین دغدغه میرزا صالح است و از قرار معلوم و مطابق اسنادی که برجای مانده به نظر می‌رسد که حاجی میرزا آقاسی و مستوفی‌الممالک به این جمع‌بندی می‌رسند که هزینه‌های راه‌اندازی و فعالیت باسمه‌خانه طهران و انتشار روزنامه «کاغذ اخبار» را از نزدیکترین ولایات به دارالخلافه یعنی ولایت گیلان تأمین نمایند. این در حالی است که همجواری این ولایت با دریای خزر و چه بسا وجود بندرهای فعال آن و وجود کنسولگری روسیه در رشت و حضور الکسندر خودزکو به عنوان کنسول روسیه در آن دیار از دیگر دلایل انتخاب این ولایت برای تأمین هزینه‌های باسمه‌خان طهران باشند.

تأمین این هزینه‌ها، راه‌اندازی باسمه‌خانه طهران، چاپ و انتشار «کاغذ اخبار» و دیگر آثار منتشره در آن کار راحتی نبوده و میرزا صالح برای این مهم مشقات و دردهایی فراوانی را متحمل می‌گردد.

احتمالاً اولین مواجهه کامل حاجی میرزا آقاسی با صنعت چاپ سنگی، چاپ و انتشار کتاب و یا شاید بهتر است بگوئیم دستورالعمل و آئین‌نامه‌ای است با نام «نشان‌های دولت ایران» که به نظر می‌رسد تألیف و یا حداقل زیر نظر حاجی میرزا آقاسی به نگارش درآمده است.^{۱۲} در خصوص این کتاب مبسوط سخن خواهیم گفت، اما هیچ بعید نیست که میرزا صالح از طریق همین رساله و اعتبار و حیثیتی که برای حاجی میرزا آقاسی می‌خرد این شانس را پیدا می‌کند که در ادامه مسیر حمایت‌های بیشتر مادی و معنوی او را برای باسمه‌خانه طهران کسب نماید.

۱۲. در این خصوص رجوع کنید به: رساله نشان‌های دولت ایران نخستین کتاب چاپی غیرداستانی مصور. علی بوذری. کتاب ماه کلیات، شماره ۱۵۹، اسفند ۱۳۸۹، صص. ۷۰-۷۵.

در اسناد خود زکو مکرر نام حاجی در میان است و میرزا صالح شیرازی هر جا که دچار مشکل و یا تأخیری در دریافت بودجه باسمه خانه می‌گردد به نام او اشاره می‌نماید. مثلاً در (سند شماره ۵۶) چنین می‌نویسد که:

«... بیش از این در دادن وجه مزبور تعلل ننمایید، حکم جناب قبله‌گاهی حاجی و مستوفی الممالک صدور یافته است و این مبلغ را برای اتمام کار باسمه‌خانه موضوع داشته‌اند...»

و یا با تأخیری که مجدداً در دادن وجوه مالیات صورت می‌گیرد طی نامه‌ای (سند شماره ۸۶) خبر از اطلاع و آگاهی حاجی میرزا آقاسی به تعلل این پرداخت اشاره می‌کند:

«... باز در دادن وجه تعلل کرده بودید و مراتب به عرض جناب قبله‌گاهی حاجی سلمه الله تعالی رسید، شرحی مرقوم فرموده‌اند که به تأکیدات حکم شده است که وجه برات باسمه‌خانه را بدهید...»

حمایت‌های حاجی میرزا آقاسی تنها مربوط به تأسیس و راه‌اندازی باسمه‌خانه طهران و انتشار روزنامه «کاغذ اخبار» نیست، کار تا جایی پیش می‌رود که میرزا صالح موفق می‌گردد حمایت و همراهی حاجی میرزا آقاسی را برای انجام یک پروژه بزرگ و مهم مانند آنچه به سال ۱۲۴۹ ق. در تبریز به سرانجام رساند جلب نماید.

میرزا صالح تصمیم می‌گیرد اولین کتاب چاپ سنگی را در طهران منتشر نماید و به همین خاطر همچون تبریز که تیمنا و تبرکا این کار را با انتشار یک جلد کلام الله مجید آغاز نمود، در طهران نیز همین اتفاق را رقم می‌زند. و در نهایت موفق می‌شود قرآنی در تیراژ هزار و دویست و پنجاه جلد در باسمه‌خانه طهران چاپ و منتشر نماید. (تصویر ۷) او انتشار این قرآن را حسب حکم محمد شاه قاجار دانسته و تأکید می‌کند که خوانندگان بعد از هر تلاوت فاتحه‌ای برای عباس میرزا که بدون شک این تکنیک و صنعت به مدد حمایت‌های او به ایران وارد گشت و پدر حاجی میرزا آقاسی که با حمایت‌های او این کتاب به چاپ رسید نثار نمایند.

«الحمد لله الذی هدانا لهذا وما كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله فحمد الله ثم حمد الله که حسب الحکم محکم قضا توام شاهنشاه ظل مبسوط اله ابوالسیف والنصره محمد شاه غازی خلد الله ملکه بنده درگاه محمد صالح مستوفی شیرازی اول نسخه را که بدار الطباعه انطباع آورد موازی یک‌هزار و دویست و پنجاه جلد کلام الله مجید حمید ربانی است که بندگان خدا قراءت و تلاوت کنند و بعد از هر تلاوت مستدعی است که روح پرفروش نواب علیین مآب ولیعهد مغفور عباس میرزا نورالله مضجع و والد ماجد جناب حاجی میرزا آقاسی سلمه الله تعالی را بفاتحه فایحه اختتام دهند چه هر یک از این دو بزرگوار را حقی

تمام بر انجام این عمل خیریت فرجام است که الدال علی الخیر کفا علیه وکان ذالک فی شهر رمضان المبارک من شهر سنة ۱۲۵۴ کتبه اقل العباد الداعی لایود الدلوة القاهرة الباهرة محمد حسین الاصفهانی اللهم اغفر له ولوالديه».

چند سال بعد و با انتشار کتاب «زاد المعاد» علامه مجلسی در سال ۱۲۵۷ق. نیز (تصویر ۸) باز چنین وصف و دعایی در حق عباس میرزا و پدر حاجی میرزا آقاسی تکرار می شود و میرزا صالح تأکید می کند که:

«چه هر یک از این دو بزرگوار را حقی تمام بر انجام این عمل خیریت فرجام است»

عیسی خان نایب گیلان

عیسی پسر امیر قاسم خان قوانلو قاجار و برادر صلبی ملک جهان خانم مهدعلیا مادر ناصرالدین شاه قاجار بود. در سالهای آغازین حکومت محمد شاه و احتمالاً در میانه سالهای ۱۲۵۲ق. الی ۱۲۵۴ق. او به عنوان نایب ایالت گیلان مشغول به فعالیت بوده و در اواخر دوره محمد شاه سمت ایشیک آقاسی را داشت.^{۱۳} اما بعد از به سلطنت رسیدن ناصرالدین شاه از موقعیت بهتری برخوردار گردید تا جایی که به سال ۱۲۷۱ق. به حکومت گیلان انتخاب شد که البته چند سالی طول نکشید.^{۱۴} بعد از آن به سال ۱۲۷۴ق. حاکم اصفهان بود^{۱۵} و همچنین در سال ۱۲۷۵ق. حاکم یزد گشت و در همین سال ملقب به اعتمادالدوله شد^{۱۶}، در سال ۱۲۷۶ق. به امر ناصرالدین شاه به ریاست مصلحت خانه انتخاب گردید،^{۱۷} و آخر الامر در جمادی الثانی سال ۱۲۷۸ق. درگذشت.^{۱۸}

عیسی خان در طول زندگی اش و تصدی سمت های مختلف هیچگاه چهره خوبی در میان مردم نداشت و خواهرزاده او ناصرالدین شاه و تاریخ نگاران همعصرش هیچگاه از او به نیکی یاد نکرده اند. در میان اسناد رد و بدل شده میان میرزا صالح شیرازی و برادرش محمد جعفر منشی با میرزا عیسی خان، بی نظمی و امساک او از پرداخت وجوه دریافتی به خوبی مشهود است. تا جایی که چندین بار این پرداخت ها به تعویق افتاده و میرزا صالح دست به دامان حاجی میرزا آقاسی و مستوفی الممالک گردیده (سند شماره ۵۶ و ۸۱) و حتی در مراحل تهدید به گلایه به محمد شاه قاجار نموده است (سند شماره ۲۰۲).

۱۳. ناسخ التواریخ (سلاطین قاجاریه): ۱۳۵/۳.

۱۴. رجال ایران: ۵۱۰/۴.

۱۵. حقایق الاخبار: ۲۵۶؛ تاریخ منتظم ناصری: ۱۸۰۳/۳.

۱۶. تاریخ منتظم ناصری: ۱۸۱۱/۳ و ۱۸۲۵.

۱۷. همان: ۱۸۲۲/۳.

۱۸. حقایق الاخبار: ۲۸۹/۲؛ تاریخ منتظم ناصری: ۱۸۴۱/۳.



از قرار معلوم این ویژگی اخلاقی او بوده که مالیات‌ها و یا پول‌های دریافتی از مردم را برای خود تصاحب کرده و به خزانه و یا امور دولتی نمی‌داده است و در دادن پول تا بدانجا ممسک بود که حتی صدای ناصرالدین شاه را نیز درآورده است. طی سندی که در مجموعه اسناد خاندان غفاری به جای مانده، ناصرالدین شاه دقیقاً این عبارت را برای او بکار می‌برد:

«... پول بلاعوضی از اعتمادالدوله نمی‌خواهیم که در دادن پول فس فس بکند»^{۱۹}

عیسی خان در برخورد با رعیت کار را به آنجا می‌کشد که در همان سال ابتدایی حکومت او بر ایالت گیلان مردم علیه او دست به شورش زده و او را از این ایالت بیرون می‌کنند. محمدعلی خان رشوند در گزارشات خود اینچنین نقل می‌کند که:

«در روز عید فطر تعلیقه‌ای از مقرب الخاقان آقاخان سرتیپ رسیده که اهالی رشت به حرکت زشت با عیسی خان والی گیلان شورش کرده، بر سر دارالعلماره ریخته، اموال او را تاراج کرده‌اند. با پانصد سوار مأمورم که به تنبیه اشرار پردازم.»^{۲۰}

رایینو البته سال این شورش را به اشتباه ۱۲۶۷ ق. ثبت کرده و اشاره می‌کند که شورش در رشت برخاست و مردم خانه طبقات پایینی عیسی خان را تسخیر کردند و زنگی به گردن او آویختند و او را بیرون کردند.^{۲۱}

بدون شک این رفتارهای میرزا عیسی مخل راه اندازی باسمه‌خانه طهران و انتشار کاغذ اخبار و دیگر کتابهای منتشره آن بوده است.

تصویر ۲. امیر الامراء العظام عیسی خان والی، برگرفته از پرده‌های تالار نظامیه (کاخ گلستان)

۱۹. اسناد خاندان غفاری: ۶۱/۱.

۲۰. مجمل رشوند: ۶۶.

۲۱. ولایات دارالمرز ایران (گیلان): ۵۵۲.

الکساندر خودزکو

الکساندر خودزکو،^{۲۲} شاعر و شرق شناس لهستانی در ۳۰ اوت ۱۸۰۴م. در لهستان به دنیا آمد. در دانشگاه ویلنیوس^{۲۳} تحصیل کرد و به سال ۱۸۲۴م. برای تحصیل در مدرسه زبان های شرقی،^{۲۴} عازم سن پترزبورگ شد. بعد از اتمام تحصیلاتش به سال ۱۸۳۰م. / ۱۲۴۵ق. در ابتدای ورود به ایران با سمت مترجمی کنسولگری روسیه در تبریز در می آید و بعدتر به عنوان منشی در طهران منصوب شد؛ سپس به عنوان نایب کنسول در کنسولگری روسیه رشت ادامه فعالیت داد و در نهایت، سرکنسول روسیه در آنجا شد.^{۲۵} او در مدت اقامتش در ایران به مطالعه مردم و فرهنگ این کشور پرداخت و ضمن مطالعات فراوان، آثار ارزشمندی نیز از خود چاپ و منتشر نمود. خودزکو تا سال ۱۸۴۲م. / ۱۲۵۷ق. در ایران مشغول به خدمت بود و بعد از آن، ایران را ترک و به یونان، ایتالیا، انگلیس و فرانسه رفت و در نهایت در پاریس سکنی گزید و در همان جا در تاریخ ۱۸۹۱م. درگذشت.

دقیقا نمی دانیم که او در چه تاریخی در طهران و بعد از آن به رشت رفته است اما این آگاهی را داریم که در زمان حضور ایلیچی روسیه در ایران به تاریخ پانزدهم ذی قعدة سال ۱۲۴۸ق. به دارالخلافه طهران آمده و فردای آن روز هنگام حضور در محضر فتحعلی شاه قاجار، الکساندر میرزا به عنوان مترجم او را همراهی نموده است.^{۲۶}

بررسی مکاتباتی که در این مقاله متن آنها ذکر گردیده حکایت از خدمات قابل توجهی است که خودزکو به میرزا صالح نموده است. از اسناد رد و بدل شده میان میرزا صالح شیرازی و محمدجعفر منشی با میرزا عیسی اینگونه به نظر می رسد که بخشی از برات هایی که برای او ارسال می شده در اختیار خودزکو قرار می گرفته که احتمالا برای خرید ملزومات مورد نیاز چاپخانه سنگی طهران هزینه نماید. (سند شماره ۸۱ و ۱۲۴) ازین رو هیچ بعید نیست که میرزا صالح شیرازی از طریق خودزکو برای تأمین دستگاه چاپ، سنگ چاپ، کاغذ و جوهر از روسیه اقدام می نموده و به همین علت برخی از مبالغ به خودزکو داده می شد.

در میان تالیفات خودزکو یک مقاله کوتاه نیز با عنوان «چاپ سنگی در ایران» به چشم می خورد که در سال ۱۸۵۷م. در فرانسه چاپ و انتشار یافته است.^{۲۷} او طی این مقاله اطلاعات ارزشمندی از تأثیر ورود صنعت چاپ و بالاخص چاپ سنگی به ایران می دهد، که حکایت از آشنایی او با این صنعت و نقش آن در تجدد و نوگرایی جامعه ایرانی آن زمان است.

22. Alexandre Chodzko

23. Vilnius

24. Institute of Oriental Studies

۲۵. خوجکو (۱): ۱۴۶.

۲۶. تاریخ ذوالقرنین: ۸۵۹/۲.

27. A. Chodzko. De la lithographie en Perse, Le moniteur universel, 21 September 1857, p. 4.



تصویر ۳.
الکساندر خودزکو

از پس این سالها کمک خودزکو در حفظ و نگهداری اسناد آن دوران را نیز باید از جمله کمک‌های او به میرزا صالح شیرازی و تاریخ چاپ دانست. خودزکو را پیش از آنکه یک دیپلمات بدانیم، باید پژوهشگری نامید که روحیه‌ای آرشیوستانی داشت و طی سفرش به مناطق مختلف ایران ضمن آنکه به گفتگوی با مردم و ثبت اطلاعات و آگاهی‌های مختلف می‌پرداخت نسخ خطی و اسناد مختلفی را هم که می‌توانست برای خود جمع‌آوری می‌نمود و از همین راه کتابخانه‌ای ارزشمند او که امروزه در دل کتابخانه ملی فرانسه جای گرفته است حاوی نسخه‌های خطی ارزشمندی است. از باب نمونه خودزکو توانست در سال ۱۲۵۱ ق. یکی از قدیمی‌ترین ترجمه‌های تاریخ طبری را در نیشابور به دست آورد و همچنین جزوه‌های کوتاه تعزیه‌های ایرانی که از قدیمی‌ترین متن‌های تعزیه ایران به شمار می‌رود. نسخه‌های شماره ۹۹۳ تا ۹۹۷ و ۱۱۲۵ تا ۱۱۳۵ مخزن فارسی کتابخانه ملی فرانسه به کتابخانه او تعلق داشته و مجموعه اسناد سیاسی که در این مقاله بخشی از آنها مورد استفاده قرار گرفته است نیز در

همین مجموعه است.^{۲۸} او این اسناد را که در بازه زمانی دوره صفویه تا قاجار به نگارش درآمده است، طی اقامت خود در ایران و به مرور جمع‌آوری نموده است. اولین بار، فریدون آدمیت در کتاب خود، «امیرکبیر و ایران»، خبر از سه نامه می‌دهد که میرزا حاجی آقاسی، خطاب به عیسی خان نایب گیلان به نگارش درآورده است و اولین نامه‌ای که او در کتابش ذکر می‌کند، مربوط به سال ۱۲۵۲ ق. است.^{۲۹}

«دیگر آگاهی تازه‌ای که می‌افزائیم اینکه در ۱۲۵۲ ق. برای خرج باسمه‌خانه کاغذ اخبار مبلغ سه هزار تومان در وجه میرزا صالح به حساب حکومت گیلان حواله گردید. گماشته میرزا صالح در پی وصول وجه رفت، اما در کارسازی آن امروز و فردا می‌کردند. به عیسی خان نایب‌الحکومه گیلان دستور رفت که: به تأکيدات حکم شده است که وجه برات باسمه‌خانه را بدهید. ... بیشتر از این کوتاهی نکنید.

در ضمن دو شماره اول و دوم کاغذ اخبار شهر محرم و صفر را مصحوب حامل مرسلو داشتم و بعد از این آدمی گذارده‌ام که کاغذ اخبار را باسمه می‌کنند. شما هم بعد از وصل به محالات گیلان بفرستید».

خوشبختانه استاد ارجمند، جناب آقای دکتر محمد باقری طی سفری که سالها پیش به پاریس داشتند، تصویر این مجموعه اسناد را تهیه و به ایران منتقل می‌کند. اسناد مربوط به گیلان این

مجموعه، توسط فریدون نوزاد و علی امیری، بازخوانی و در سال ۱۳۹۱ ش. به اهتمام نشر فرهنگ ایلیا چاپ و منتشر می شود.

در میان این اسناد شش نامه در فاصله سالهای ۱۲۵۲ق. تا ۱۲۵۴ق. در موضوع باسمة خانه طهران وجود دارد که همگی پیرامون تأمین خراجات باسمة خانه از طریق وصول مالیات از ولایت گیلان است. این نامه ها حاوی اطلاعات ذی قیمتی است که در این مقاله به مناسبت به اطلاعات آن ارجاع داده شده و متن همگی آنها در انتهای این مقاله بازنشر شده است.

میرزا محمد جعفر منشی

میرزا محمد جعفر برادر میزا صالح شیرازی را باید یکی از مؤثرترین کارکنان باسمة خان طهران دانست. البته ما در سالهای آغازین ورود صنعت چاپ به نام فرد دیگری به اسم میرزا جعفر نیز برخورد می کنیم که بعید نیست همین میرزا محمد جعفر منشی باشد. گزارش کوتاهی که در شماره اول مجله انجمن خاوری^{۳۰} فرانسه درباره چاپ حروفی گلستان سعدی به سال ۱۸۲۱م. ۱۲۳۶ق. در تبریز آمده است از یک جوان ایرانی با نام میرزا جعفر اینچنین نام برده می شود:

«میرزا جعفر، ایرانی جوان سال گذشته در تبریز گلستان سعدی را با حروفی که خود ساخته بود چاپ و منتشر کرد در اندازه نه چندان بزرگ و بسیار زیبا».

تصویر ۴. سواد حکم انتصاب میرزا محمد جعفر شیرازی به سمت منشی باسمة خانه طهران به تاریخ ذی حجه سال ۱۲۵۳ق. (کتابخانه ملی)

هرچند تاکنون این کتاب پیدا نشده است، اما این نام در بسیاری از کتب تاریخی دیگر به عنوان یکی از چاپچیان تبریز در آن دوران تکرار می شود. و عده ای معتقدند که میرزا صالح شیرازی بعد از آنکه از سفر انگلستان به تبریز بازگشت و با خود تجهیزات و دستگاه چاپ به همراه آورد، چون مشغول به کارهای دیپلماتیک شد این شانس را پیدا نکرد که چاپخانه خود را راه اندازی کند. ازین رو دستگاه و تجهیزات را در اختیار برادر خود میرزا جعفر گذاشت و او با راه اندازی این چاپخانه اقدام به چاپ کتاب کرد.^{۳۱}

همین داستان به نحوی در خصوص راه اندازی باسمة خانه طهران نیز تکرار می شود. از آنجایی که هدف اصلی احضار میرزا صالح شیرازی به طهران برای سمت مترجمی و روابط بین دربار و وزرای مختار خارجه بود، طبیعی است که او آنگونه که باید فرصت و مجال پرداختن به



30. Journal Asiatique, paris, vol.1, 1822, p185

۳۱. شرح حال رجال ایران: ۱۷۷/۲

راه اندازی این چاپخانه و حتی بعدتر چاپ و انتشار روزنامه و کتاب را نداشته است. ازین رو برادرش میرزا محمد جعفر را به کارگماشته تا به امور مالی و اداری باسمة خانه رسیدگی نماید. مطابق سندی که در کتابخانه ملی به شماره ۲۶۸۱/۲۳۲ موجود است، محمد جعفر در سال ۱۲۵۳ ق. طی حکمی به سمت منشی باسمة خانه منسوب گردیده است.

[متن سواد حکم میرزا محمد جعفر شیرازی]

- [۱] سررشته
- [۲] سنه تخاقوی یل
- [۳] توجیهات و موجهاات
- [۴] توجیهات
- [۵] مواجب
- [۶] خاص
- [۷] عالیجاه
- [۸] میرزا جعفر مباشر باسمة خانه از قرار فرمان مورخ؟ شهر ذیحجه الحرام ۱۲۵۳
- [۹] بعد آنکه چون خاطر خطیر همایون بتربیت ارباب صنایع و اصحاب بدایع مایل است
- [۱۰] علی الخصوص باسمة خانه که کاغذ اخبار آن بهمه بلاد و امصار میروند علی هذا عالیجاه میرزا
- [۱۱] محمد جعفر را بمباشری اخبار و مراقب باسمة خانه انتخاب فرموده در هذه السنه تخاقوی
ثل مبلغ
- [۱۲] دو یست تومان نقد بموجب جیره و علیق مواجب بصیغه در وجه عالیجاه مشارالیه مستمر و
برقرار فرمودیم
- [۱۳] که با نهایت دقت متوجه مهم مزبور بوده آثار واقعه مملکت اخبار اتفاقیه دولتی را بر وجهی
صحیح و نوعی صریح مرقوم دارد

[سیاق]

[۱۴] مواجب ۲۰۰ تومان. علیق الدواب یکروزه

[۱۵] جیره: ۷ من. غله ۶ من - کاه ۹۰ من

در میان مجموعه اسناد خودزکو نیز یک نامه به خط میرزا محمد جعفر وجود دارد (سند شماره ۶۳) که در حاشیه آن از او به عنوان منشی اخبار یاد شده است:

«این مراسله از جانب میرزا محمد جعفر منشی اخبار است که برادر میرزا صالح می باشد»

مطابق تاریخ صدور این حکم و تاریخ نامه ای که در مجموعه خودزکو موجود است به نظر می رسد که او از سال ۱۲۵۳ ق. در باسمة خانه طهران مشغول به فعالیت شده است. رضاقلی خان هدایت نیز در کتاب «مجمع الفصحاء» از محمد جعفر به عنوان منشی و مختار این باسمة خانه یاد کرده و بیان می کند که او به دستور محمد شاه قاجار به این سمت منصوب شده است:

«که به امر شاهنشاه گیتی پناه و سلطان السلاطین جم جاه، مروج شریعت اسلام و مقوی ملت تازی، محمدشاه غازی طاب ثراه از فارس به ری آمده، منشی و مختار دارالطباعه شده»^{۳۲}

دیوان بیگی نیز در «حدیقه الشعراء» از او به عنوان منشی و مختار دارالطباعه نام می برد:

«اسمش میرزا محمد جعفر و از اشراف شیراز. برادر کهنترش میرزا صالح در دارالخلافه منصب استیفای نظام داشت. خودش بعد از تحصیل مقدمات علوم، بنای مسافرت هندوستان و فرنگستان گذاشته چندی با وزرای مختار و سفرای انگلیس ذهاب و ایاب می کرد. در عهد محمدشاه مبرور که بنای عمل چاپ در طهران رواجی گرفت، او منشی و مختار امور دارالطباعه شده مدتها در آن کار بود و گاهگاه هم قصاید و محامد می سروده. از رحلتش آگاهی حاصل نگردیده...»^{۳۳}

محمد جعفر تا زمان حیات برادر بزرگترش میرزا صالح در طهران به سر می برد اما بعد از فوت او به فارس مراجعت نمود. حاجی میرزا حسن فسایی هم درباره وی نوشته:

«از شیراز به طهران آمده توطن نمود. در سال هزار و دویست و شصت و اند وفات یافت.»^{۳۴}

درست است که محمد جعفر در راه اندازی باسمه خانه و حتی انتشار کاغذ اخبار در بدو امر مشارکتی نداشته است اما بر اساس همین مستندات حداقلی مسلم است او نقش پرزنگی در اداره این باسمه خانه و انتشار کاغذ اخبار داشته است.

میرزا علی اکبر بن میرزا بابا تفرشی

یکی از مهمترین اجزاء و افراد باسمه خانه ها خوشنویسان بودند. کتابت آثار چاپ سنگی چه کتاب و چه روزنامه امری سخت و حرفه ای تخصصی بود که نیاز به آموزش و تمرین داشت. اولین کاتب آثار چاپ سنگی در ایران محمد حسین بن میرزا محمد تبریزی از نسخ نویسان بنام آن دوران بود که «قرآن» منتشره به سال ۱۲۴۹ق. و «زاد المعاد» منتشره به سال ۱۲۵۱ق. هر دو به قلم او کتابت، چاپ و انتشار یافتند. اما با آمدن میرزا صالح شیرازی به طهران عملاً دسترسی به این کاتب میسر نبود و میرزا صالح شیرازی در اولین گام راه اندازی این چاپخانه باید خوشنویسی زبده و علاقه مند را برای این مهم به کار می گماشت.

۳۲. مجمع الفصحاء: ۶۵/۴.

۳۳. حدیقه الشعراء: ۱۱۰/۱.

۳۴. فارس نامه ناصری: ۱۴۲/۲ به نقل از مطبوعات ایرانی: ۳۶۲.

در ذیل هیچکدام از روزنامه‌های کاغذ اخبار منتشره در باسمه‌خانه طهران نامی از کاتب و یا حتی دیگر عوامل دست‌اندرکار باسمه‌خانه ذکر نشده است. در یکی از آلبوم‌های بیوتات با عنوان «کتابچه قرار مواجب سرکارات عظام و عملجات سال تنکوزئیل» که به شماره ۳۴۲ در کتابخانه ملی موجود است^{۳۵}، ما به لیستی مختصر از عملجات باسمه‌خانه و مواجب آنها برخورد می‌کنیم. در این سند فردی با نام «میرزا علی اکبر نویسنده باسمه‌گرخانه» و در جای دیگر «میرزا علی اکبر نویسنده» معرفی می‌گردد.

نام این کاتب چاپ‌نویس در ترقیمه کتاب چاپ سنگی «نشان‌های دولت علیه ایران» اینچنین آمده است:

«کتابه کاتب الحضرت السلطانی علی اکبر سنه ۱۲۵۲»

از این ترقیمه کاملاً مشخص است که او جایگاه رفیعی در میان خوشنویسان روزگار خود داشته که ملقب به کاتب الحضرت السلطانی گشته است. نام و مشخصات کامل تری از او را در کتاب «زاد المعاد» علامه مجلسی منتشره به سال ۱۲۵۷ ق. می‌بینیم. در این کتاب او خود با عبارت «کاتب شروح الادعیه علی اکبر بن میرزا بابا التفرشی» معرفی می‌نماید.

بیانی از فردی با نام علی اکبر تفرشی ملقب به کاتب السلطان نام می‌برد که از خوشنویسان دربار قاجار بوده و اشاره می‌کند که سپهر وفات وی را سال ۱۲۴۵ ق. ذکر می‌کند.^{۳۶} این نقل قول در کتاب «ناسخ التواریخ» و در ذیل وقایع سال ۱۲۴۵ ق. و سالهای دیگر یافت نشد.

با توجه به یکی بودن لقب این دو علی اکبر به نظر می‌رسد که هر دوی آنها یکی هستند. در جستجوی فهرس کتابخانه‌ها با آثار مختلفی به خط نستعلیق از «علی اکبر تفرشی» برخورد می‌کنیم که مشخصات آنها به قرار زیر است:

- «تحفه المؤمنین» محمد مؤمن بن تنکابنی به تاریخ کتابت ۱۲۳۳ ق.^{۳۷}
- «اختیارات الایام» علامه مجلسی به تاریخ سوم رجب سال ۱۲۳۴ ق.^{۳۸}
- قطعه، محرم الحرام سال ۱۲۳۷ ق.^{۳۹}
- «جامع الاخبار» محمد بن محمد شعیری سبزواری به تاریخ کتابت ۱۲۴۰ ق.^{۴۰}

۳۵. فهرست توصیفی آلبوم‌های بیوتات: ۴۶۰.

۳۶. احوال و آثار خوشنویسان: ۴۳۶.

۳۷. این نسخه در کتابخانه ملک به شماره ۴۵۴۸ موجود است. فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک: ۱۱۵/۲.

۳۸. این نسخه در کتابخانه آیت الله گلپایگانی به شماره ۷۸۱۳-۱۹۳/۳۹ موجود است. فهرست نسخ خطی کتابخانه آیت الله گلپایگانی: ۱۴۷/۱.

۳۹. این اثر بنا بر روایت مهدی بیانی در کتابخانه کاخ سلطنتی یا همان کاخ گلستان است. احوال و آثار خوشنویسان: ۴۳۶.

۴۰. این نسخه در کتابخانه حسین شهشهانی موجود است. فرهنگ ایران زمین (فهرست اجمالی چهل مجموعه): ۵۷۴/۳۰.

- «کشف الاسرار فی علم الرمل» به تاریخ کتابت ۱۲۴۰ق.^{۴۱}
- «زبده الرمل» تاریخ کتابت ۱۲۴۰ق.^{۴۲}
- «کلیات» فتحعلی بن محمد صبا کتابت شده به تاریخ چهارده رمضان سال ۱۲۴۲ق.^{۴۳}
- «دیوان بدرچاچی» بدرالدین محمد چاچی به تاریخ کتابت ۱۲۴۶ق.^{۴۴}
- یوسف و زلیخای ابوالقاسم فردوسی کتابت شده به تاریخ ۱۲۶۲ق.^{۴۵}
- گرشاسب نامه کتابت شده به سال ۱۲۶۴ق.^{۴۶}
- «اشعار» «قانون» ابن سینا کتابت شده به سال ۱۲۷۰ق.^{۴۷}
- وسیله النجاه کتابت شده به سال ۱۲۷۸ق.^{۴۸}
- «زین الرسائل» کتابت شده به سال ۱۲۷۸ق.^{۴۹}
- «حلاوه المناجات» ترجمه مناجات خمسہ عشر از عبدالرحیم بن محمد سجزی کتابت شده در قرن سیزدهم^{۵۰}

به نظر می‌رسد از زمان ورود میرزا صالح شیرازی و راه اندازی باسمه خانه طهران علی اکبر تفرشی به عنوان کاتب در این باسمه خانه مشغول به فعالیت می‌شود. ما یقین داریم که باسمه خانه طهران در سال ۱۲۵۲ق. فعالیت خود را آغاز می‌کند و در همین سال است که «کاغذ اخبار» با خط نستعلیق جلی کتابت و چاپ می‌گردد.

چنانچه پیش از این اشاره شد کتاب و یا بهتر است بگوئیم دستورالعمل و یا آئین نامه‌ای با نام «نشان های دولت علیه ایران» در دسترس است که به با تکنیک چاپ سنگی چاپ و در همین سال ۱۲۵۲ق. کتابت، چاپ و انتشار یافته است. از این کتاب تا کنون دو نسخه یکی در کتابخانه ملی^{۵۱}

۴۱. این نسخه به شماره ۱۳۷۳۹ در کتابخانه ملی موجود است.
۴۲. این نسخه به شماره ۱۳۷۳۹ در کتابخانه ملی موجود است.
۴۳. این نسخه به شماره ۳۷۶ در کتابخانه کاخ گلستان موجود است. بیانی در کتاب خود سال کتابت این اثر را ۱۲۴۰ق. ذکر نموده است: احوال و آثار خوشنویسان: ۴۳۶.
۴۴. این نسخه به شماره ۹۵۶ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای ملی: ۱۹۸/۳.
۴۵. این نسخه در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۲۶۹۹ موجود است. فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای ملی: ۴۷۱/۸.
۴۶. این نسخه در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۱۶۷ موجود است. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای ملی: ۴۴۶/۳، قابل توجه آنکه این نسخه و نسخه یوسف و زلیخای ۱۲۶۲ق. را تفرشی برای محمد تقی سپهر (لسان الملک) کتابت نموده است.
۴۷. روی برگ اول کتاب قانون ابن سینا اشعاری فارسی به خط شکسته نستعلیق کتابت گردیده است. این نسخه به شماره ۶۴۵۴ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی موجود است. فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی: ۲۶۳/۱۴.
۴۸. این نسخه در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۱۰۹۲۶/۲ موجود است.
۴۹. این نسخه به شماره ۱۰۹۲۶/۱ در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است.
۵۰. این نسخه به شماره ۳۹۴ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی موجود است. فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی: ۵۱۳/۱.
۵۱. این کتاب به شماره ۶-۷۱۹۵ در کتابخانه ملی قابل بازایی است.

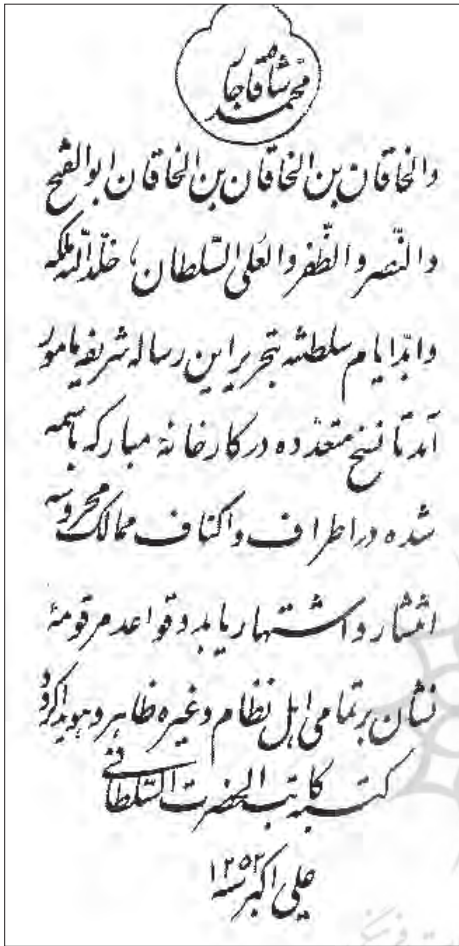
و دیگری در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی^{۵۲} شناسایی شده است. که خط آن با «کاغذ اخبار» مشابهت بسیاری دارد و برای ما یقین ایجاد می‌کند که علی اکبر تفرشی خوشنویس کاغذ اخبار نیز بوده است.

از دیگر آثار برجای مانده و شناسایی شده از او می‌توان به کتاب «زادالمعاد» علامه مجلسی منتشره به سال ۱۲۵۷ ق. اشاره نمود، که نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های مسجد اعظم قم، آستان قدس رضوی مشهد و کتابخانه ملی ایران^{۵۳} موجود است.

نسخه‌ای از کتاب «قرآن» به تاریخ کتابت ۱۲۵۸ ق. نیز از دیگر کتابهای چاپ شده این کاتب است که متن قرآن به خط نسخ علی بن زین العابدین نوری و ترجمه آن به خط نستعلیق میرزا علی اکبر تفرشی کتابت شده است. از این کتاب تاکنون دو نسخه در کتابخانه ملی^{۵۴} و کتابخانه آیت الله مرعشی در قم^{۵۵} شناسایی شده است. همچنین نسخه‌ای از کتاب «بوستان» سعدی نیز با تاریخ انتشار شعبان سال ۱۲۶۰ ق. گزارش شده است که متأسفانه تاکنون نسخه‌ای از آنرا ندیده و شناسایی ننموده‌ام.^{۵۶}

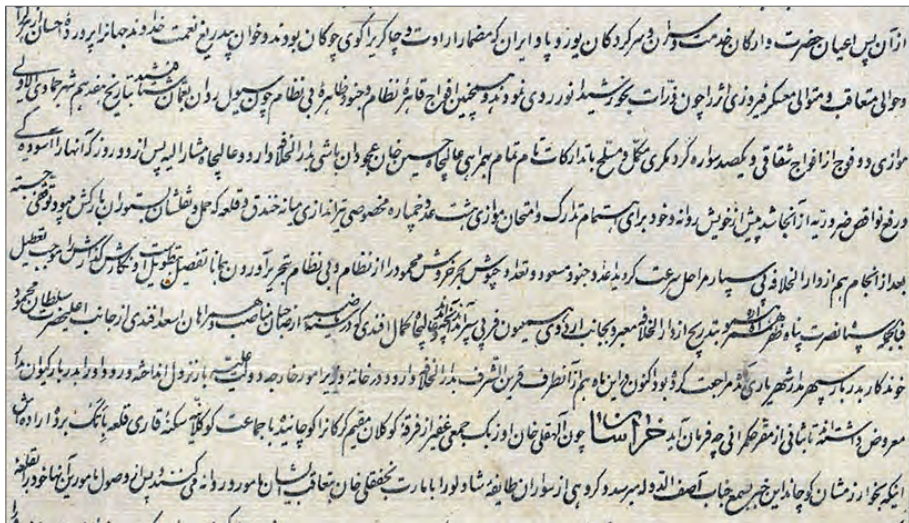
علی اکبر تنها خوشنویس باسمه‌خانه دولتی نیست و در کتابهای بعدی این باسمه‌خانه خوشنویسانی چون محمد حسین اصفهانی و علی بن زین العابدین نوری نیز به امر کتابت البته به خط نسخ

مشغول و آثاری از آنها در این باسمه‌خانه چاپ و انتشار یافته است. اما با توجه به اسنادی که از بودجه سالیانه این باسمه‌خانه در دست داریم و با توجه به لقب او به عنوان کاتب السلطان، به نظر می‌رسد که علی اکبر تفرشی از جایگاه بالاتری نسب به دیگر خوشنویسان برخوردار و خوشنویس اصلی این باسمه‌خانه بوده است و خوشنویسان دیگر به نوعی احتمالاً در خارج از باسمه‌خانه به صورت سفارشی و حق‌العمل کاری فعالیت می‌نموده‌اند.



تصویر ۵. صفحه پایانی «نشان‌های دولت علیه ایران» منتشره به سال ۱۲۵۲ ق. در باسمه‌خانه طهران (کتابخانه ملی)

۵۲. این نسخه به شماره ۲۳۶ در کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی موجود است. فهرست نسخه‌های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی: ۳۲۸/۱.
 ۵۳. این کتاب به شماره ۶-۲۲۵۷۳ در کتابخانه ملی قابل بازیابی است.
 ۵۴. به شماره‌های ۲۷۴۱۵-۳۰۵۰۰؛ ۶-۳۲۸۱۲؛ ۶-۳۱۸۲۳۷۱ در کتابخانه ملی موجود است.
 ۵۵. این نسخه به جهت تزئینات و شکل ظاهری آن در قالب فهرست نسخه‌های خطی این کتابخانه به شماره ۱۷۹۳۳ در مجلد چهل و پنجم فهرست این کتابخانه معرفی گردیده است.
 ۵۶. محمد حسین حسینی طهرانی در کتاب خود به این کتاب اشاره می‌کند. رک: نور ملکوت قرآن: ۱۲۵/۱.



تصویر ۶. تصویر بخشی از کاغذ اخبار منتشره به تاریخ جمادی الاول سال ۱۲۵۳ ق. (کتابخانه بریتانیا)

باسمه چی

تنها فردی که به عنوان باسمه چی و البته در همان سند به نام استاد باسمه چی ها از او یاد می شود، «آقا علی استاد باسمه گر» است که مبلغ ۱۰۰ تومان موجب نیز برای او در نظر گرفته شده است.

استاد علی باسمه گر فردی کلیدی و مهم در این چاپخانه بوده است، چرا که فرایند چاپ و انتشار همگی آثار چاپ شده در این چاپخانه به فن و هنر او بر می گشته است و با کمی دقت به این آثار به خوبی مشهود است که او از فن چاپ بخوبی آگاه و بر آن مسلط بوده است. چرا که اگر نگوئیم کیفیت آثار منتشره در باسمه خانه طهران در حد ممتازی است، در حد قابل قبولی می باشد.

متأسفانه ما اطلاع دقیقی از استاد علی باسمه گر نداریم و در اسنادی که تاکنون شناسایی و مورد بررسی قرار گرفته بجز آنچه ذکر شد یافت نمی شود و در آثار چاپ شده نیز هیچ نامی از چاپچی درج نگردیده است. اما فردی با نام علی بن حاج محمد حسین امین الشرع تبریزی از دوستان و نزدیکان میرزا صالح شیرازی سراغ داریم که در زمان راه اندازی چاپخانه سنگی تبریز، در این چاپخانه همراه او بوده و ضمن آموزش و شناخت فن چاپ در زمان چاپ دومین کتاب چاپ سنگی تبریز یعنی کتاب «زاد المعاد»^{۵۷} علامه مجلسی سرپرستی این چاپخانه را عهده دار بوده است. چنانچه در ترقیمه این کتاب به آن اشاره شده است:

«... فیصل مهم آن را بکافیت عالیشان سنی المکان فخر الامثال والاقران آقاعلی بن مرحوم حاجی محمد حسین الشهیر بامین الشرع تبریزی واگذار نمود که رفیق صدیق جانی بود و در تصرفات اینگونه امور کمال لیاقت و قابلیت بدرجه ظهور رسانیده صاحب مهارت تام

۵۷. از این کتاب نسخه هایی در کتابخانه های مسجد اعظم قم، ملی تهران و آستان قدس رضوی مشهد، مجلس تهران و همچنین ولی عصر خوانسار موجود است.

مالاکلام گردیده است ...»

این کتاب در غره ذی الحججه سال ۱۲۵۱ق. در تبریز چاپ می‌گردد و در میان آثار منتشره در تبریز که تاکنون شناسایی نموده‌ام بعد از این تاریخ تا سال ۱۲۵۸ق. هیچ کتاب دیگری توسط علی بن محمد حسین امین‌الشرع تبریزی در تبریز چاپ و منتشر نمی‌گردد. ازین رو دور از ذهن نیست که میرزا صالح شیرازی با توجه به تخصص و دانش آفاعلی و همچنین رفاقت و نزدیکی که با او داشته، او را به طهران فراخوانده و در این باسمه‌خانه بکار گماشته باشد.

تربیت از فردی با نام میرزا اسدالله فارسی که بعدها به میرزا اسدالله باسمه‌چی اشتهار پیدا می‌کند به عنوان چاپچی این چاپخانه نام می‌برد. نقل است که میرزا صالح شیرازی این همشهری خود را با مخارج زیاد به شهر سن پترزبورگ فرستاده که در آنجا فن طبع را بیاموزد.^{۵۸}

آثار منتشره باسمه‌خانه طهران

هرچند اطلاع دقیقی از تاریخ انتشار «نشان‌های دولت علیه ایران» نداریم و تنها سال کتابت آن و احتمال قوی چاپش ۱۲۵۲ق. ذکر شده است اما یقین داریم که نسخه طلّیعه روزنامه «کاغذ اخبار» در رمضان سال ۱۲۵۲ق. در باسمه‌خانه طهران چاپ و انتشار پیدا کرده است.^{۵۹} بنابراین بیراه نیست که این نسخه را به عنوان اولین محصول چاپی این باسمه‌خانه فرض نمائیم.

قابل توجه آنکه در میان اسناد مجموعه خودزکو طی نامه‌ای (سند شماره ۸۱) به چاپ و انتشار روزنامه «کاغذ اخبار» اشاره شده و نسخه‌هایی از آن به همراه این نامه برای میرزا عیسی ارسال گردیده است. هرچند این نامه فاقد تاریخ سال است و تنها به روز و ماه (۲۶ شهر ربیع‌الثانی) اشاره شده اما به قرینه خبر ارسال «کاغذ اخبار» ماه محرم و صفر و تنها نسخه‌هایی که تاکنون از این دو ماه یافت شده می‌توان حدس زد که این نامه در سال ۱۲۵۳ق. کتابت و ارسال شده است.

مانمی‌دانیم که انتشار کاغذ اخبار دقیقاً تا چه سالی استمرار پیدا کرده است. اما با توجه به شماره‌های شناسایی شده این روزنامه حداقل تا پایان آخرین شماره‌ای که بر اساس احتمال، مربوط به رمضان یا شوال سال ۱۲۵۳ق. است، به فرض انتشار مستمر و ماهانه این روزنامه آنچنان که در پایان نسخه طلّیعه به آن اشاره می‌شود^{۶۰} می‌توان اینگونه برآورد نمود که حداقل سیزده و یا چهارده شماره «کاغذ اخبار» طی سالهای ۵۳-۱۲۵۲ق. در باسمه‌خانه طهران چاپ و انتشار یافته است. هرچند برخی از مورخین اشاره نموده‌اند که کاغذ اخبار به مدت سه سال تا سال ۱۲۵۶ق. منتشر می‌شده است.^{۶۱}

۵۸. تاریخ مطبوعات ایران: ۴۳۹.

۵۹. اولین‌های مطبوعات ایران: ۳۴.

۶۰. اولین‌های مطبوعات ایران: ۹۲.

۶۱. اولین‌های مطبوعات ایران: ۸۷.

جدول (۱) شماره‌های شناسایی شده از روزنامه کاغذ اخبار منتشره در باسمة خانه طهران

شماره (طلیعه)	دهه آخر	رمضان	۱۲۵۲	کتابخانه محمد نخجوانی؛ کتابخانه بهمن امیرحسینی ^{۶۲}
[شماره یک]		شوال		مفقود
شماره دو		ذیقعه	۱۲۵۲	کتابخانه بهمن امیرحسینی
شماره سه		ذی حجه	۱۲۵۲	کتابخانه بهمن امیرحسینی
شماره چهار	دوشنبه	۲۵	محرم	مجله انجمن سلطنتی آسیایی (۲ فوریه ۱۸۳۹ م.)
شماره پنج			صفر	کتابخانه بهمن امیرحسینی
[شماره شش]		ربیع الاول		مفقود
شماره هفت		ربیع الثانی	۱۲۵۳	کتابخانه موزه بریتانیا
شماره هشت		جمادی الاولى	۱۲۵۳	کتابخانه موزه بریتانیا
[شماره نه]		جمادی الثانی		مفقود
[شماره ده]		رجب		مفقود
[شماره یازده]		شعبان		مفقود
[شماره دوازده]		رمضان یا شوال	۱۲۵۳	بر اساس خبر روزنامه اختر در شماره ۲۲
[شماره سیزده]		رمضان یا شوال		مفقود

درخصوص چرایی توقف انتشار این روزنامه هیچ دلیل و مستندی در دست نیست. برزین طی سفری که به سال ۱۲۵۸ ق. به ایران و طهران داشته است، به صراحت شخص محمدشاه قاجار را دلیل توقف روزنامه «کاغذ اخبار» و باسمة خانه طهران ذکر می‌کند:

«فرهنگ و ادبیات از حمایت مخصوص محمدشاه برخوردار نبود، چنانکه انتشار روزنامه منحصر به فردی که در طهران طبع می‌شد، قطع گردید».^{۶۳}

برخی از مورخین چون آدمیت و عبدالحسین نوایی معتقدند که بی‌علاقگی حاجی میرزا آقاسی به کارهای مدنی و مظاهر تمدن اوپایی و اینگونه نوآوری‌های غربی بود که منتج به تعطیل شدن

۶۲. در حال حاضر نسخه‌ای از این شماره در مجموعه خصوصی بهمن امیرحسینی موجود است که برای اولین بار ایشان این نسخه را در مجله ره‌آورد، شماره ۱۲۳، تابستان ۱۳۹۷، صفحات ۱۱۵ تا ۱۲۲ معرفی می‌نماید. برنا ایزدیناه معرفی کاملی از نسخه‌های مجموعه خصوصی ایشان را در پایان‌نامه خود با این مشخصات ذکر نموده است:

Borna Izadpanah., 'The first Iranian newspaper', in Early typographic representation of the Persian language, Unpublished PhD Thesis, University of Reading (2021), pp. 448-461

63. Puteshestvie po Sievernoi Persii: 248.

باسمه خانه طهران و روزنامه «کاغذ اخبار» گردید.^{۶۴} حمید مولانا وضع آشفته سلطنت محمدشاه قاجار را علت اصلی یا نگرفتن روزنامه «کاغذ اخبار» و پژمردن فکر اساسی میرزا صالح شیرازی بشمار می آورد.^{۶۵} سید فرید قاسمی معتقد است که اولاً معلوم نیست در دوره محمدشاه چاپخانه تعطیل شده باشد و ثانیاً، بعید است که مسبب تعطیلی روزنامه میرزا صالح، حاجی میرزا آقاسی بوده باشد.^{۶۶}

اینکه تعطیلی این چاپخانه را ناشی از عدم حمایت حاجی میرزا آقاسی بدانیم کمال بی انصافی است چرا که با نگاهی دقیق به نامه های میرزا صالح و برادرش به میرزا عیسی و خودزکو کاملاً مشهود است که بدون حمایت های حاجی میرزا آقاسی اصلاً امکان راه اندازی باسمة خانه طهران وجود نداشته و حتی فراتر از آن می بینیم که در اولین کتاب منتشره در این باسمة خانه به سال ۱۲۵۴ ق. نیز میرزا صالح به صراحت حاجی میرزا آقاسی را به عنوان یکی از بانیان اصلی انتشار این کتاب معرفی می نماید.

در کنار انتشار روزنامه «کاغذ اخبار» و یا شاید پیش از آن، احتمالاً میرزا صالح شیرازی اعلانات و یا دستورالعمل هایی را نیز چاپ و منتشر می نموده است. چنانچه پیش از این هم اشاره شد، اولین دستورالعمل و یا آئین نامه ای که در این باسمة خانه چاپ و انتشار پیدا می کند، آئین نامه «نشان های دولت علیه ایران» است که تاریخ تحریر آن و قریب به یقین سال نشرش ۱۲۵۲ ق. است.

هرچند در این کتاب نامی از مؤلف برده نشده، اما به نظر می رسد با استناد به نسخه های خطی گزارش شده توسط احمد منزوی، نویسنده کتاب عباس بن مسلم حاجی میرزا آقاسی (۱۱۹۸-۱۲۶۵ ق.) باشد.^{۶۷} مؤلف در این کتاب به معرفی نشان های دولتی پرداخته و هدف او این بوده که قواعد مرقومه نشان بر تمامی اهل نظام و غیره مشخص گردد. برخی معتقدند که این رساله در تبریز چاپ و انتشار پیدا نموده است اما به قرینه نویسنده آن که حاجی میرزا آقاسی صدر اعظم محمدشاه و ساکن طهران بوده و همچنین کاتب آن یعنی علی اکبر که در ترقیمه خود را «کاتب الحضرت السلطانی علی اکبر» معرفی می کند نیز در طهران و در دربار سلطنتی به امر کتابت مشغول بوده است می توان یقین حاصل نمود که این کتاب در طهران و باسمة خانه آن به چاپ رسیده است. این در حالی است که در ترقیمه این کتاب اشاره می شود:

«... تا نسخ متعدده در کارخانه مبارکه باسمة شده در اطراف و اکناف ممالک محروسه

انتشار و اشتها یابد...»

عبارت کارخانه مبارکه حکایت از چاپخانه ای منتسب به پادشاه و سلطنت دارد که در آن روزگار تنها همین باسمة خانه طهران است که چنین نسبتی را می توان بدان نسبت داد.

۶۴. حدیقه الشعراء: ۱۱۱/۱.

۶۵. سیر ارتباطات اجتماعی در ایران: ۳۶.

۶۶. اولین های مطبوعات ایران: ۱۲۷.

۶۷. فهرست نسخه های خطی فارسی: ۴۰۸۵/۶؛ فهرستواره کتابهای فارسی: ۵۵۳/۱.

راه اندازی باسمه خانه طهران و استفاده از تکنیک چاپ سنگی فرصتی مغتنم برای چاپ و انتشار اعلانات، احکام و یا آئین نامه ها و یا دستورالعمل هایی دولتی بود که مع الاسف تا به امروز هیچ نسخه ای از آنها در دسترس نیست. اما آگاهی هایی از این اعلانات به دست ما رسیده است. از باب نمونه علی قلی میرزا اعتضاد السلطنه در ذیل حوادث سال ۱۲۵۴ق. اشاره می کند که:

«و حکم به میرزا صالح مهندس شیرازی که صاحب اختیار باسمه خانه بود صادر آمد که نقص عهد انگلیس را به عبارت خوب باسمه زده به بیست و هشت قرال و سلاطین ذوالاقتدار روی زمین روانه دارد تا صاحبان اولوالابصار بدانند که عهد آن طایفه مانند آفتاب زمستان و سحاب تابستان بی اعتبار است و پیوسته شاهد حيله شان در کنار»^{۶۸}

از آنجایی که این اعلان برای پادشاهان دیگر ممالک چاپ و ارسال شده است، بعید نیست که به زبانی جز زبان فارسی و شاید چند زبانه منتشر گردیده است. اعتضاد السلطنه از حکم و اعلان دیگری در همین سال خبر می هد که میرزا صالح آنرا چاپ و به اطراف و اکناف ایران ارسال نموده است.

«و حکم به تمام چاکران دربار خلافت مدار صادر آمد که لباس های بلند که مخلوط به خبثات است و باعث نخوت ریاست از تن بدر سازند و به لباس نظام مبدل نمایند و فرمانی نیز به دست خط مبارک تحریر کرده و جناب مستطاب فضیلت مآب آفتاب سپهر دانش و شیربیشه بینش جناب حاجی میرزا آقاسی سلمه الله تعالی عن الآفات نیز از آیات و احادیث در این باب خصایص چند نوشته و آن فرمان دستخط مبارک و تحریر جناب حاجی نیز به میرزا صالح شیرازی مرحمت شد که او را هم باسمه زده به اطراف و اکناف ایران روانه دارد تا ایشان را سررشته عمل شود...»^{۶۹}

و همچنین محمد شاه در تاریخ جمادی الآخر سال ۱۲۵۴ق. فرمانی خطاب به لشکریان خود صادر می کند که این فرمان نیز چاپ و توزیع می گردد.^{۷۰}

با توجه به چاپ روزنامه «کاغذ اخبار» و آئین نامه و دستورالعمل هایی چون «نشان های دولت علیه ایران» و اعلاناتی که نمونه هایی از آن پیش از این ذکر شد، باسمه خانه طهران را باید اولین پایگاه اطلاع رسانی و به نوعی روابط عمومی و یا ستاد خبری حکومت در آن زمان به شمار آورد.

به نظر می رسد میرزا صالح شیرازی این آئین نامه و دستورالعمل «نشان های دولت علیه ایران» را کتاب نمی دانست. او تصمیم داشت همچون تبریز، سرآغاز انتشار کتاب با تکنیک چاپ سنگی در باسمه خانه طهران نیز یک جلد کلام الله مجید باشد. (تصویر ۷)

«الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله فحمد الله ثم حمد الله که

۶۸. اکسیر التواریخ: ۴۹۸.

۶۹. همان: ۴۹۹.

۷۰. همان: ۵۰۳.

حسب الحکم محکم قضا توام شاهنشاه ظل میسوط اله ابوالسیف والنصره محمدشاه غازی خلدالله ملکه بنده درگاه محمد صالح مستوفی شیرازی اول نسخه را که بدارالطباعة انطباع آورد موازی یکهزار و دوویست و پنجاه جلد کلام الله مجید حمید ربانی است که بندگان خدا قراءت و تلاوت کنند و بعد از هر تلاوت مستدعی است که روح پرفتوح نواب علیین مآب ولیعهد مغفور عباس میرزا نورالله مضجع و والد ماجد جناب حاجی میرزا آقاسی سلمه الله تعالی رابفاتحه فایحه اختتام دهند چه هر یک از این دو بزرگوار را حتی تمام بر انجام این عمل خیریت فرجام است که الدال علی الخیر کفا علیه وکان ذالک فی شهر رمضان المبارک من شهر سنة ۱۲۵۴ کتبه اقل العباد الداعی لایود الدوله القاہره الباہرة محمدحسین الاصفهانی اللهم اغفر له ولوالديه».



تصویر ۷، صفحه پایانی و ترقیمه قرآن چاپ سنگی منتشره به تاریخ رمضان سال ۱۲۵۴ق. در باسمه خانه طهران (کتابخانه آستان قدس)

در ترقیمه این قرآن و با عبارت «اول نسخه که بدارالطباعة انطباع آورد» ما را به یقین می‌رساند که اولین کتاب چاپ سنگی منتشره در این باسمه خانه و طهران همین کتاب است. تیراژ این کتاب، چنانچه در ترقیمه ذکر نموده، هزار و دوویست نسخه بوده است و میرزا صالح، ثواب تلاوت آن را به روح عباس میرزا و پدر حاجی میرزا آقاسی هدیه می‌کند.^{۷۱}

محمدعلی تربیت، به یک نسخه از کلیات حافظ شیرازی به تاریخ هجدهم محرم ۱۲۵۴ق. اشاره

۷۱. از این کتاب، دست کم چهار نسخه در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.

می‌کند که تاکنون هیچ نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه‌هایی که مورد بررسی قرار گرفته، رؤیت نشده است؛ اما با توجه به تاریخ دقیق اتمام «قرآن» که رمضان سال ۱۲۵۴ق. است و تصریح میرزا صالح شیرازی مبنی بر اینکه «اول نسخه را که بدارالطباعه انطباع آورد»، می‌توان یقین حاصل نمود که اولین کتاب چاپ سنگی طهران همین کلام‌الله مجید است.

این گمان وجود دارد که همزمان با باسمه‌خانه طهران، چاپخانه دیگری نیز در این شهر مشغول به فعالیت شده باشد. چنانچه کتاب «سؤال و جواب» مرحوم شفتی منتشره به سال ۱۲۵۴ق. و یا کتاب «اصل الاصول» شریعتمدار استرآبادی منتشره به سال ۱۲۵۶ق. و یا مجلدی دیگر از «سؤال و جواب» مرحوم شفتی منتشره به سال ۱۲۵۸ق. هرچند در طهران چاپ و انتشار یافته‌اند، اما در هیچ‌کدام از آنها اشاره‌ای و یا قرینه‌ای صد در صدی که مؤید انتشار قطعی آنها در باسمه‌خانه طهران باشد دیده نمی‌شود.

مستشرق روسی خانم شگلوا از سه اثر به عنوان نخستین کتابهای چاپ سنگی منتشره به سال ۱۲۵۴ق. در طهران نام می‌برد، اول کتاب «نخبه» تألیف محمدابراهیم بن محمدحسن کرباسی اصفهانی (۱۲۶۲-۱۱۸۰ق.) که مستند وی در معرفی این کتاب



تصویر ۸. صفحه پایانی کتاب زاد المعاد علامه مجلسی منتشره به تاریخ ۱۲۵۷ق. در باسمه‌خانه طهران (کتابخانه مسجد اعظم)

فهرست خانابا مشار است،^{۷۲} دوم کتاب «سؤال و جواب علامه محمدباقر بن محمدنقی شفتی اصفهانی معروف به حجه‌الإسلام»^{۷۳} که باز به کتاب مشار ارجاع داده است.^{۷۴} و در نهایت کلیات حافظ که منبع او در این فقره مقاله مرحوم محمدعلی تربیت است که پیش از این بدان اشاره شد.^{۷۵} در دهه اول جمادی الثانی سال ۱۲۵۷ق. کتاب «زاد المعاد» علامه مجلسی در طهران و چاپخانه سنگی میرزا صالح شیرازی منتشر می‌گردد. (تصویر ۸) در ترقیمه این کتاب چنین آمده است:

«... دارالطباعه بنده درگاه جهان پناه محمد صالح مستوفی شیرازی ...»

ثواب قرائت این کتاب نیز همانند قرآن ۱۲۵۴ق. به روح عباس میرزا و پدر حاجی میرزا آقاسی تقدیم

۷۲. فهرست کتابهای چاپی فارسی: ۳۲۵۶/۲.

۷۳. شگلوا در کتاب خود نویسنده کتاب سؤال و جواب را به اشتباه محمدباقر بن محمدنقی مجلسی ذکر می‌کند.

۷۴. همان: ۲۰۲۹/۲.

۷۵. تاریخ چاپ سنگی در ایران: ۴۹.

می شود. یک سال بعد نیز مجدداً «قرآن» به خط نسخ علی بن زین العابدین نوری و ترجمه زیرنویس فارسی به خط نستعلیق علی اکبر بن میرزا بابا تفرشی در همین چاپخانه چاپ و انتشار می یابد. نسخه هایی از این قرآن در کتابخانه آیت الله مرعشی قم^{۷۶} و کتابخانه ملی^{۷۷} موجود است.

آگاهی از یک دیوان حافظ با مقدمه محمد گل اندام نیز رسیده که در طهران چاپ و انتشار پیدا نموده و نسخه هایی از آن در کتابخانه بریتانیا^{۷۸} و کتابخانه ملی^{۷۹} شناسایی شده است. ادواردز^{۸۰} در فهرست خود تاریخ انتشار این کتاب را ۹-۱۲۵۸ ق. ثبت نموده و در کتابخانه ملی نیز نسخه از انتها افتادگی دارد و تاریخ مقدمه آن ۱۲۵۸ ق. ثبت شده است.

حسب روایتی که برزین در زمان حضور خود به تاریخ ذی حجه سال ۱۲۵۸ در طهران بیان می کند، یقین داریم که در این تاریخ نه کاغذ اخباری چاپ و انتشار پیدا می کرده و نه چاپخانه میرزا صالح شیرازی فعال و مشغول به کار بوده است.

«فرهنگ و ادبیات از حمایت مخصوص محمد شاه برخوردار نبود، چنانکه انتشار روزنامه منحصر به فردی که در طهران طبع می شد، قطع گردید. نویسنده آن میرزا صالح که یکی از اشخاص محترم و صاحب سبک ایران است، در طهران بدون هیچ کاری سر می کرد و شغلش جمع آوری پول برات بود. همچنین مطبوعه سنگی که میرزا صالح بنا کرده و در آن قرآن با ترجمه زیرنویس فارسی و تعزیه نامه و تفسیر قرآن و غیره چاپ شده بود بیکار افتاده است»^{۸۱}.

به نظر می رسد باید سال ۱۲۵۸ ق. را آخرین سال فعالیت باسمه خانه طهران فرض کرد و اینگونه برآورد نمود که باسمه خانه طهران طی قریب به شش سال فعالیت خود از سال ۱۲۵۲ ق. الی ۱۲۵۸ ق. حداقل ۲۳ عنوان اثر در قالب کتاب، روزنامه و اعلان چاپ و منتشر نموده است. (جدول ۲)

جدول (۲) آثار منتشره در باسمه خانه طهران

شماره	سال نشر	عنوان اثر
۱	۱۲۵۲ (ذیقعه)	کاغذ اخبار
۲	۱۲۵۲ (ذی حجه)	کاغذ اخبار
۳	۱۲۵۲	نشان های دولت علیه ایران (میرزا آقاسی)

۷۶. این نسخه در کتابخانه مرعشی به شماره ۱۷۹۳۳ قابل بازیابی است.

۷۷. این نسخه در کتابخانه ملی با شماره های ۶-۲۷۴۱۵؛ ۶-۳۰۵۰؛ ۶-۳۲۸۱۲؛ ۳۱۸۲۳۷۱ قابل بازیابی است.

78 A Catalogue of the Persian Printed Books in the British Museum: 468.

۷۹. این نسخه در کتابخانه ملی با شماره ۶-۱۹۳۳۹ قابل بازیابی است.

80. Edwards.

81. Puteshestvie po Sievernoj Persii: 248.

شماره	سال نشر	عنوان اثر
۴	۱۲۵۳ (محرّم)	کاغذ اخبار
۵	۱۲۵۳ (صفر)	کاغذ اخبار
۶	۱۲۵۳ (ربیع الاول)	کاغذ اخبار؟ ^{۸۲}
۷	۱۲۵۳ (ربیع الثانی)	کاغذ اخبار
۸	۱۲۵۳ (جمادی الاولى)	کاغذ اخبار
۹	۱۲۵۳ (جمالی الثانی)	کاغذ اخبار؟
۱۰	۱۲۵۳ (رجب)	کاغذ اخبار؟
۱۱	۱۲۵۳ (شعبان)	کاغذ اخبار؟
۱۲	۱۲۵۳ (رمضان)	کاغذ اخبار
۱۳	۱۲۵۳ (شوال)	کاغذ اخبار؟
۱۴	۱۲۵۴ (رمضان)	قرآن
۱۵	۱۲۵۴	سؤال و جواب (شفتی)
۱۶	۱۲۵۴ (جمادی الاولى)	اعلان به لشکریان
۱۷	۱۲۵۴	اعلان نقص عهد انگلیس
۱۸	۱۲۵۴	اعلان پوشیدن لباس نظامی
۱۹	۱۲۵۶	اصل الاصول (شریعتمدار استرآبادی)
۲۰	۱۲۵۷ (دهه دوم جمادی الثانی)	زاد المعاد (مجلسی)
۲۱	۱۲۵۸	سؤال و جواب (شفتی)
۲۲	۱۲۵۸	قرآن
۲۳	۱۲۵۸	دیوان حافظ

هزینه‌های باسمه‌خانه

حاجی میرزا آقاسی به میرزا حسن مستوفی الممالک (۱۲۶۱-۱۱۹۴ق.م)، وزیر دارایی وقت دستور می‌دهد تا تأمین مالی هزینه‌های چاپخانه از مالیات‌های گیلان انجام شود از این رو طی چندین سال برات‌هایی صادر می‌گردد تا اخراجات این باسمه‌خان تأمین گردد. این وظیفه از قرار معلوم بر عهده عیسی‌خان نایب ولایت گیلان است. الکسندر خودزکو و برخی افراد دیگر نیز به مناسبت‌هایی اسمشان مطرح و در این قضیه درگیر هستند.

۸۲. عناوینی که علامت (؟) سؤال کنارشان درج شده در انتشارشان تردید است.

خودزکو میزان مالیات سالیانه گیلان را ۲۰۰ هزار تومان برآورد کرده که این مبلغ به دلیل هزینه های خارج از قاعده به حداقل ۲۱۵ هزار و حداکثر ۲۵۰ هزار تومان نیز افزایش پیدا می کند. این مبلغ یک پنجم بهای تمام تولیدات این ایالت است و در آن روزگار عمده درآمد مالیات گیلان در سرزمینهای پست منحصرًا از ابریشم خام وصول می گردید که البته بخشی نیز به جهت عوارض ناشی از صادرات و یا حق صید ماهی خاویار و ضرب سکه نیز حاصل می گردید.^{۸۳}

او اشاره می کند که شاه معمولاً وجوهی را به رسم مساعدت مطالبه می کند^{۸۴} و آنچه از مکاتبات میرزا صالح با میرزا عیسی خان مشخص است، درخواست های میرزا صالح نیز از همین جنس بوده است. خودزکو بیان می کند که عدم اجابت تقاضاهایی که مطرح می شد بر حسب مقام و منزلتی که در دربار از آن برخوردارند و تفاوت سطح توقعاتشان، نوعی هتک حرمت به ساحت پادشاه تلقی می شود.^{۸۵} همین موضوع در نامه هایی که در این میان رد و بدل شده کاملاً مشخص است.

بر اساس این مکاتبات به نظر می رسد که تصمیم بر این بوده که مبلغ سه هزار تومان مقرر برای باسمه خانه طهران به صورت سالیانه در نظر گرفته شود (سند شماره ۱۲۴) و روال بر این بوده که برای توسط مستوفی الممالک صادر و برای میرزا عیسی خان نایب گیلان ارسال می گردد و او مکلف بوده که این مبلغ را مطابق آنچه میرزا صالح تصمیم داشته کارسازی و ارسال نماید.

در کتابچه «قرار مواجب سرکارات عظام و عملجات سال تنکوژنیل» در صفحات ۱۶ و ۲۲ هزینه های عملجات دارالانطباع به این قرار آمده است:

مجرس	مجرس	مجرس	مجرس	مجرس
۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰
۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰
۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰
۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰
۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰
۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰

تصویر ۹. کتابچه قرار مواجب سرکارات عظام و عملجات سال تنکوژنیل (کتابخانه ملی)

۸۳. سرزمین گیلان: ۹۶-۱۰۰.

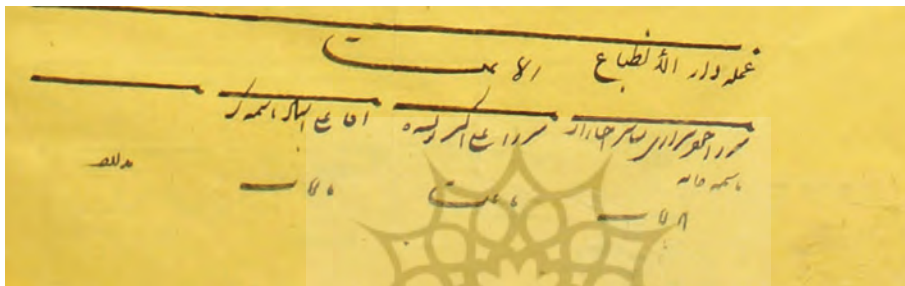
۸۴. همان: ۹۷.

۸۵. همان.

[۱] ۳۴۲۰ تومان و ۳۲۲۰ دینار (مقررا)

[۲] میرزا رضا مهندس باشی نظام ۸۰۰ تومان [-] محمد حسین خان ملک الشعراء ۵۵۰ تومان: (تیول کاشان ۱۰۰ تومان برات داده می شود ۴۵۰ تومان) [-] میرزا تقی سهپیر ۳ - تومان [۱] - جعفر قلی بیگ توپچی است و نویسنده دارد ۳۵۰ تومان

[۳] موسی سیمنوف ۱۰۰۰ توان [-] میرزا جعفر برادر میرزا صالح شیرازی ۲۰۰ تومان در جزو عمله دارالانطباع نوشته میشود [-] آقا علی استاد باسمه چیها ۱۰۰ تومان [-] میرزا علی اکبر نویسنده باسمه گرخانه ۱۲۰ تومان



تصویر ۱۰. کتابچه قرار مواجب سرکازات عظام و عملجات سال تنکوژئیل (کتابخانه ملی)

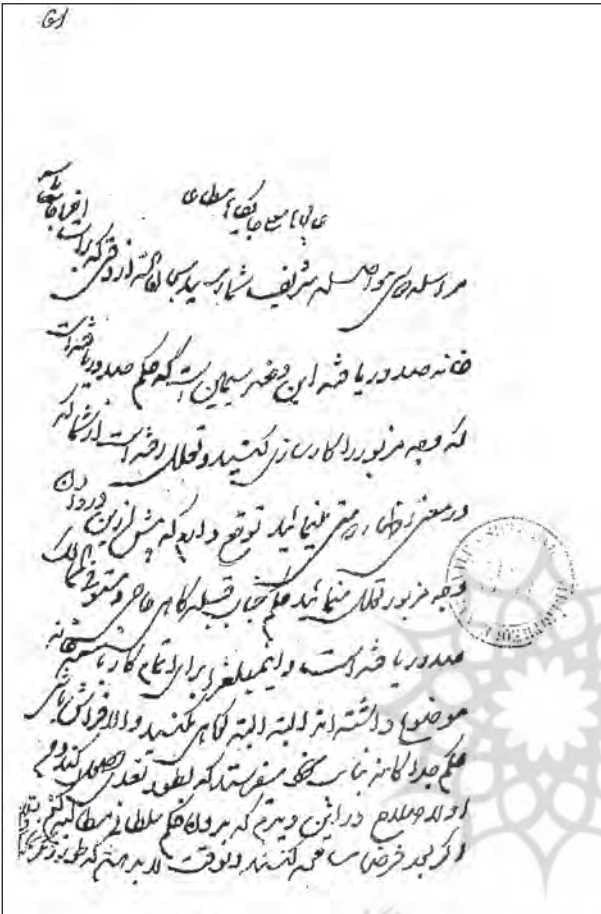
[۱] بابت عمله دارالانطباع ۴۲۰ تومان

[۲] میرزا جعفر شیرازی مباشر اخبارات باسمه خان ۲۰۰ تومان [-] میرزا علی اکبر نویسنده ۱۲۰ تومان [-] آقا علی استاد باسمه گر ۱۰۰ تومان

هزینه های باسمه خانه طهران شامل مباشر اخبار، خوشنویس، باسمه گر، دستگاه چاپ، سنگ، کاغذ، جوهر، صحاف و هزینه های متفرقه دیگری می شود که در سند پیشین تنها بخشی از این هزینه ها که در مجموع ۴۲۰ ریال است قید شده است. این در حالی است که هزینه نگارش اخبار و یا مدیریت شخص میرزا صالح شیرازی و یا هزینه تأسیس بنای باسمه خانه و یا توزیع کاغذ اخبار و کتابها و ... در این اسناد دیده نمی شود.

مطابق آنچه از اسناد مجموعه خودزکو برداشت می گردد و پیش از این نیز در ذیل معرفی میرزا عیسی بدان اشاره شد، کارسازی این برات ها به دلایل مختلفی به تأخیر می افتد و در زمان پیش بینی شده و مقرر پول به دست میرزا صالح شیرازی و یا افراد مورد نظر او نمی رسد.

تا جایی که او طی نامه ای (سند شماره ۵۶) شدیدالحن از این تأخیر گله کرده و تحدید می کند که اگر باز کوتاهی صورت بگیرد فراش باشی حکم جداگانه به نایب خود داده که به صورت تعدی حصول کند.



وصول مالیات بعد از راه اندازی و انتشار کاغذ اخبار همچنان ادامه دارد، بدون شک انتشار ماهانه «کاغذ اخبار» هزینه بر است و میرزا صالح برای انتشار مستمر این روزنامه به کاغذ و جوهر نیازمند است و هم اینکه برای عملیات روزنامه از سردبیر و معاون سردبیر و منشی و کاتب و چاپچی و ... نیازمند پول است.

با این حال از قرار معلوم هنوز چند ماهی از انتشار اولین شماره کاغذ اخبار نگذشته است که او طی نامه‌ای (سند شماره ۸۱) به عیسی خان زبان به شکایت و گله باز می‌کند.

دو نکته در این نامه قابل توجه است اول اینکه به عیسی خان می‌گوید تا مبلغی که در نامه‌ای پیش از این ذکر نموده را تسلیم الکساندر خودزکو کند که احتمالاً همانگونه که پیش از این هم اشاره شد خودزکو این مبلغ را برای خرید کاغذ و جوهر و دیگر احتیاجات وارداتی از روسیه مورد استفاده قرار می‌داده است.

تصویر ۱۱. نامه محمد صالح شیرازی خطاب به میرزا عیسی نایب گیلان (کتابخانه ملی فرانسه)

نکته دوم آنکه در این نامه اشاره می‌کند که آدمی گذارده تا کاغذ اخبار را باسمه کند و خود میرزا صالح نیز روانه رکاب مبارک، محمد شاه قاجار می‌شود.

مطابق (سند شماره ۱۲۴) که البته فرستنده آن مشخص نیست اما خطاب به عیسی خان نایب گیلان نگاشته شده، مجدد شاهد تأخیر در ارسال پول هستیم و ترس از اینکه این تأخیر موجب معطل ماندن باسمه‌خانه گردد.

چنانچه در نامه دیگری در سال ۱۲۵۴ ق. (سند شماره ۶۳) می‌بینیم که همچنان مالیات از ولایت گیلان برقرار است و محمد جعفر منشی برادر میرزا صالح پیگیر دریافت وجوهات از آن ولایت است. طی این نامه محمد جعفر منشی اظهار می‌دارد مطابق شرحی که از برادرش میرزا صالح رسیده برات سه هزار تومانی که پیش از این به رشت حواله شده است را عوض و از بابت سنه ایت نیل حواله گیلان نمائید. در همین نامه تأکید می‌شود که برات تازه و نوشته جدید حاجی میرزا آقاسی و مستوفی

الممالک را نیز هر سه به وزیر مختار سپرده که مصحوب همین حامل روانه طهران و گیلان فرمایند. محمدجعفر از گیرنده نامه می خواهد که هر چه زودتر به قدر سیصد الی چهارصد تومان به او برسانند تا امورات طهران اخوی از باسمه خانه و غیره معوق نماند.

[۵۶] ۸۶

[بدون تاریخ]

عالیجاها، معلی جایگاهها، مطاعا

مراسله دوستی مواصله شریف شما رسید، سبحان الله از وقتی که برای اخراجات باسمه خانه صدور یافته، این دفعه سیمین است که حکم صدور یافته است که وجه مزبور را کارسازی کنید و تعلق رفته است، از شما که در معنی اظهار دوستی می نمایم توقع دارم که بیش از این در دادن وجه مزبور تعلق ننمایید، حکم جناب قبله گاهی حاجی و مستوفی الممالک^{۸۷} صدور یافته است و این مبلغ را برای اتمام کار باسمه خانه موضوع داشته اند. البته، البته کوتاهی نکنید و الا فراش باشی^{۸۸} حکم جداگانه به نایب خود می فرستد که به طور تعدی حصول کند و من اولاً صلاح در این دیدم که بدون حکم سلطانی مطالبه کنم، اگر بعد فرضاً مسامحه کنند آن وقت لابد هستم که طور دیگر [عمل] نمایم. والسلام.

[پشت نامه]

«یا خیر الحافظین عالیجاه معلی جایگاه مجددت و نجدت انتباه دوست مهربانی مطالعی میرزا اسماعیل دام مجده»

[مهر بادامی شکل]: «عبدہ الراجی محمد صالح»

[۸۱] ۸۹

[۱۲۵۳ق.]

عالیجاها، مجددت همراها، اخا، گراما

مراسله شما رسید و باز در دادن وجه تعلق کرده بودید و مراتب به عرض جناب قبله گاهی حاجی سلمه الله تعالی رسید، شرحی مرقوم فرموده اند که به تأکیدات حکم شده است که وجه برات باسمه خانه را بدهید و هم چنین جناب مستوفی الممالک شرحی قلمی داشته اند که به هر قسط و هر قسم باشد

۸۶. نامه های گیلان: ۱۱۶.

۸۷. میرزا حسن بن میرزا کاظم بن محسن آشتیانی ملقب به مستوفی الممالک. رک: رجال ایران: ۳۱۷/۱.

۸۸. اسماعیل خان قراچه داغی فراشباشی محمد شاه. رک: رجال ایران: ۶۴/۱.

۸۹. نامه های گیلان: ۱۶۵.

وجه مرقومه را بدهید، قبله عالم هم به عالیجاه فراشباشی حکم فرمودند که بعهدہ نایب فراشباشی محول شود که وصول و ایصال سازد چون الی حال که ۲۶ شهر ربیع الثانی است، حکم نایب فراشباشی نرسیده بود خوش آیند ندانستم که اولاً به همراه مشارالیه حکم فرستم و گمانم هم این است که عذری در مقابل نداشته باشند و بیشتر از این هم مسامحه درست نیست، از شما متوقعم که بیشتر از این کوتاهی نکنید و به نهجی که نوشته‌ام مبلغ مرقومه را تسلیم عالیجاه دوست معظم میرزا الکسندر فرمایند و کاغذ اخبار شهر محرم و صفر مصحوب حامل مرسل داشتیم و بعد از این آدمی گذاراه‌ام که کاغذ اخبار را با سمه می‌کنند، شما هم بعد از وصول به محالات گیلان بفرستید من هم مأمور هستم که روانه رکاب مبارک شوم، از دوستی شما همین قدر توقع دارم که هرچه فرمایش دارند به من بنمایند که در انجام هر خدمت لوازم سعی خواهد کرد، ایام التفات مستدام باد.

[پشت نام] «یا خیر الحافظین عالیجاه معلی جایگاه مجدت همراه برادر مهربان عیسی خان نایب گیلان مطالعه نماید».

[۱۲۴]۹۰

[۱۲۵۳ق.]



هو

عالیجاها، استظهارا

درباب خرج با سمه خانه به راه دیوانی مبلغ سه هزار تومان پارسال حواله گیلان شده است، مسموع می‌شود که هنوز هم نرسیده، لهذا به آن عالیجاه اظهار می‌کند که مدتی است که گماشته عالیجاه برادر مهربان مقرب الخاقان میرزا صالح پی تحصیل وجه برات رفته است باید آن عالیجاه وجه برات سه هزار تومان را که نزد عالیجاه میرزا الکسندر است به گماشته مشارالیه از هذه السنه تخاقوی ئیل کارسازی نماید و آدم او را زیادتر از این معطل ننماید که کار با سمه خانه معطل نماند. زیاده چه نگارد، البته دانسته از قرار مضمون همین نوشته معمول داشته اهتمام خواهد کرد، همه روزه حالات را اعلام دارید. والسلام.

[پشت نامه]: «عالیجاه مقرب الخاقان استظهاری عیسی خان نایب گیلان برسد»

[مهر بادامی شکل]: «ناخوانا»

۹۱ [۱۲۶]

[۱۲۵۳ ق.]

عالیجاها، عزت و سعادت همراهها، عزیزا

مبلغ سه هزار تومان از قرار قبض مقرب الخاقان معیر الممالک به جهت اخراجات باسمه خانه حواله گیلان شده است از قراری که عالیجاه مقرب الخاقان میرزا صالح مذکور ساخت وجه مزبور هنوز عاید ایشان نشده و امر باسمه خانه به علت نرسیدن وجه مزبور معطل است، لهذا اظهار می شود که به وصول نوشته [و] اهتمام در وصول وجه مزبور نموده و تمام و کمال وصول و کارسازی عالیجاه مقرب الخاقان نمایند که وجه مزبور از بابت شش ماه هذی السنه تخاقوی ئیل محسوب است و در هر قسط هم که کارسازی نمایند از بابت همان قسط به خرج شما و لواسان محسوب می دارید البته در این باب شرایط اهتمام به عمل آورده وجه مزبور را زود وصول و روانه نمائید. باقی والسلام [حاشیه نامه]: عزیزا، معطل مدارید، به خرج نوشته شد و از قرار قسط بدهید. والسلام. [پشت نامه]:

«عالیجاه عزت و سعادت همراه اعززی عیسی خان مطالعه نمایند.»
[مهر چهارگوش]: «افوض امری الی الله الغنی عبده محمد»

۹۲ [۲۰۲]

[۱۲۵۴ ق.]

عالیجاها میجدت و نجدت همراهها دوست مشفق معظما

حالتحریر که ۱۴ شهر جمادی الاول است عازم اردوی سلطانی که حال در بسطام است^{۹۳} میباشد حسب الحکم شاهنشاهی روحی فداه شرحی عالیجاه معلی جایگاه محمد اسمعیل خان فراشباشی بآبش فراش مرقوم رفته است که در رشت اگر... اینمراسله حاکم گیلان مبلغ سه هزار تومان برات سابقه را بعالیجاه نداده است خود آبش فراش محصلی کرده مبلغ مرقوم را واصل و ایصال بآندوست معظم نمایند. بنابراین نوشته مزبور را در جوف اینمراسله گذارده بخدمت شریف شما فرستادم شما خود بهتر اطلاع دارید اگر ببینید که کارگذاران گیلان در دادن وجه کوتاهی میکنند حکم فراشباشی را بهمان آبش فروش بدهند که حسب الحکم شاهنشاهی تنخواه را حکما از حکام گیلان واصل و ایصال سازد و بهیچوجه عذر نشنود.

۹۱. نامه های گیلان: ۲۴۴.

۹۲. این نامه در کتاب «نامه های گیلان» بازخوانی نشده است و از روی اصل میکروفیلم آن توسط نگارنده بازخوانی گردید.

۹۳. محمدشاه قاجار در سال ۱۲۵۴ ق. در مسیر حرکت به سوی افغانستان به مدت بیست روز در بسطام اردو می زند. رک: تاریخ قاجار (حقایق الاخبار ناصری): ۲۶/۱.

جناب وزير مختار شوكت عليه روسيه با بارون^{۹۴} بوده به چمن زار تشریف برده اند و كود صاحب در ركاب مبارك شهریارى ملتزم هستند باین جهت ممكن نبود كه از جناب وزير مختار و سایر دوستان شما نوشته گرفته ارسال داشته باشد چون دو هفته قبل از این حكمی از سركار مستوفی الممالك و جناب قبله گاهی ام حاجی سلمه الله تعالى بعالیجاه عیسی خان مرقوم رفته بود و مصحوب نوشتجات وزیر مختار دولت علیه روسیه ارسال نموده حال اسباب معطلی و راه بهانه ندارد انشاء الله تعالى در ایندفعه با كمال سهولت مبلغ مزبور را وصول خواهند نمود؟ دهنده را پیش از پیش از خویش ممنون فرمایند مبالغ؟؟ هم از حساب وزیر مختار قرض گرفته ام كه ازین وجه باید بردارند بیشتر هرچه عرض كنم زیاده است ... التفات مستدام باد.

[پشت نامه]

بخدمت عالیجاه بلند جایگاه دوست معظم مهربان میرزا الاكسندر دام عزه فایز شود.

[۶۳] ۹۵

[۱۲۵۴ق.]

مخدوم من

در این اوقات شرحی از عالیجاه مقرب الخاقان اخوی میرزا محمد صالح رسید كه اصل عبارتش این است كه اصل برات سه هزار تومان حواله رشت را كه سابق بر این شده بود عوض کرده و از بابت سنه ایثنیل حواله گیلان كردیم و مبلغ مندرجه آن را هم در قسط گیلان درج ساختند و شرحی مجدداً موكد از جانب جناب قبله گاهی ام حاجی مرقوم رفته كه امان الله خان^{۹۶} مبلغ مرقومه را برساند و شرحی هم به عالیجاه میرزا بابای مباشر گیلان مرقوم رفته كه به نهجی كه در حساب گیلان نوشته اند و به قسط حواله شده مبلغ مزبور را كارسازی كنند، برات تازه و نوشته جدید حاجی سلمه الله و مستوفی الممالك را هر سه به جناب وزیر مختار سپردم و الحال مصحوب همین حامل روانه طهران و گیلان فرموده اند و خودم هم شرحی به خدمت مخدومی میرزا الكسندر نوشتم و یقین دارم كه میرزا الكسندر خودداری نمی كنند و به زودی از همه وجوه، این وجه را زودتر می گیرند، شما هم شرحی به ایشان بنویسید و به عالیجاه میرزا رحیم پیشخدمت هم بنویسید كه ایشان هم مراقب شوند كه تنخواه به زودی به میرزا الكساندر برسد و آنچه هم شما ضرور دارید به شما برسانند، این است شرحی كه اخوی به من نوشته، پس لازم شد كه حقیر حقیقت حال را خدمت شما بنویسم و هم چنین به عالیجاه

۹۴. بارن روزن فرمانفرمای روسی گرجستان بود.

۹۵. نامه های گیلان: ۱۳۱.

۹۶. امان الله خان افشار در رمضان سال ۱۲۵۵ق. به وزارت گیلان منصوب و در همان سال نیز جای خود را به محمد امین خان نسقچی داد. رك: ولایات دارالمرز ایران: گیلان: ۵۵۲.

مطالعی میرزا رحیم هم جداگانه نوشته‌ام که در تقویت شما حسب الامر الاقدس خودداری نکنند و تنخواه را به شما برسانند ولیکن شما هم باید لطف بفرمایید و مراسله [ای] که حقیر به عالیجاه مخدومی میرزا رحیم جداگانه نوشته‌ام برسانید و ایشان را محرک شوید که محصلی کنند و تنخواه را پابرجا کرده، وصول و ایصال یقینی شما کنند و به قدر سیصد الی چهارصد تومان هم به بنده برسانند که امورات طهران اخوی از باسمه خانه و غیره معوق مانده و از فارس، حال سه ماه است تنخواهی نمی‌رسد و امر باسمه خانه و بنایی خانه اخوی و سایر امورات اختلال دارد، یقین است که در هر باب خودداری نمی‌کنید و به زودی تنخواهی هم به جهت حقیر خواهید فرستاد، زیاده چه نویسم تا او ان شرف ملاقات حقایق نگار صور حالات و ارجاع هرگونه مهمات باشند، بنده را هم از خود بدانید زیاده زحمت نمی‌دهم والسلام والا کرام، الباقی ایام ملاحظت به کام باد.

[حاشیه نامه]: «این مراسله از جانب میرزا محمد جعفر منشی اخبار است که برادر میرزا صالح می‌باشد»

[پشت نامه]

«یا خیر الحافظین دارالمرز رشت به مطالعه عالیجاه اخوی مهربان میرزا الکسندر نماینده سرکار وزیر مختار روس برسد»
[مهر چهارگوش]: «العبد الراجی محمد جعفر»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این است که احمدی است سه هزاره ای که در میان حمله است لکن که باقی بر این است و بدو عطفی ندارد
 حمله کیلان کردیم و مسلح شدیم و در میان کیلان در وقت که در میان کیلان در وقت که در میان کیلان
 جناب جبهه که هر دو صاحب مرفوعه که زمان آنکه در میان کیلان در وقت که در میان کیلان در وقت که در میان کیلان
 کیلان مرفوعه در میان کیلان در وقت که در میان کیلان در وقت که در میان کیلان در وقت که در میان کیلان
 تازه نوشته شد و در میان کیلان در وقت که در میان کیلان در وقت که در میان کیلان در وقت که در میان کیلان
 هفتی حاضر در آن طمان و کیلان در وقت که در میان کیلان در وقت که در میان کیلان در وقت که در میان کیلان
 در آن که میرزا الکسندر خود در آن در وقت که در میان کیلان در وقت که در میان کیلان در وقت که در میان کیلان
 باقی نویسیه و در میان کیلان در وقت که در میان کیلان در وقت که در میان کیلان در وقت که در میان کیلان
 و در میان کیلان در وقت که در میان کیلان در وقت که در میان کیلان در وقت که در میان کیلان
 می نویسیم و در میان کیلان در وقت که در میان کیلان در وقت که در میان کیلان در وقت که در میان کیلان



تصویر ۱۲. نامه میرزا محمدجعفر منشی احتمالاً به میرزا عیسی والی، احتمالاً ۱۲۵۴ ق. (کتابخانه ملی فرانسه)

منابع:

- احوال و آثار خوشنویسان. مهدی بیانی. تهران: انتشارات علمی، ۴ جلد، ۱۳۶۳.
- اسناد خاندان غفاری. کریم اصفهانیان؛ بهرام غفاری، با همکاری علی عمران. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۲ جلد، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶.
- اکسیر التواریخ. علیقلی اعتضادالسلطنه؛ به اهتمام: جمشید کیانفر. تهران: ویسمن، ۱۳۷۰.
- اولین‌های مطبوعات ایران. سیدفرید قاسمی. تهران: نشر آبی، ۱۳۸۳.
- تاریخ چاپ سنگی در ایران. المپیدا پاولونا شچگلوا؛ ترجمه: پروین منزوی. تهران: معین، ۳۳۲ ص، ۱۳۸۸.
- تاریخ ذوالقرنین. فضل‌الله بن عبدالنبی خاوری شیرازی؛ تصحیح: ناصر افشارفر. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۲ جلد، ۱۳۸۰.
- تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان. ناصرالدین پروین. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۲ جلد، ۱۳۷۷.
- تاریخ قاجار (حقایق الاخبار ناصری). محمدجعفر خورموجی؛ به کوشش: حسین خدیوچم. تهران: کتابفروشی زوار، ۲ جلد، ۱۳۴۴.
- تاریخ مطبوعات ایران (تاریخ ادبیات و مطبوعات ایران در دوره مشروطه). ادوارد براون؛ محمدعلی تربیت؛ ترجمه: محمد عباسی. تهران: علم، ۱۳۸۶.
- تاریخ منتظم ناصری. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه؛ تصحیح: محمداسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب، ۳ جلد، ۱۳۶۳.
- حدیقه الشعراء. سید احمد دیوان‌بیگی شیرازی؛ تصحیح و تکمیل: عبدالحسین نوایی. تهران: انتشارات زرین، ۳ جلد، ۱۳۶۴.
- حقایق الاخبار. محمدجعفر خورموجی؛ به کوشش: حسین خدیوچم. تهران: نشر نی، ۱۳۶۳.
- خوجکو (۱). منصور ثروت. نامه انجمن، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۸۴، صص ۱۴۴-۱۶۸.
- رساله مجدییه. محمدخان مجدالملک؛ مقدمه و تصحیح: سعید نفیسی. تهران: چاپخانه بانک ملی ایران، ۱۳۲۱.
- سرزمین گیلان. آکساندر خودزکو؛ ترجمه: سیروس سهامی. تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۴.
- سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان». یاکوب ادوارد پولاک؛ ترجمه: کیکاووس جهانداری. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۸.
- سفرنامه خسرو میرزا به پترزبورغ. مصطفی بهاء‌الملک افشار؛ به کوشش: محمد گلبن؛ مسعود انصاری. تهران: کتابخانه مستوفی، ۱۳۴۹.
- سفرنامه‌ها: میرزا صالح شیرازی. به کوشش: غلامحسین میرزا صالح. تهران: نگاه معاصر، ۶۴۰ ص، ۱۳۸۸.
- سیر ارتباطات اجتماعی در ایران. حمید مولانا. تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور؛ بنیاد علمی فرهنگی مولانا، ۱۳۹۱.
- شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴. مهدی بامداد. تهران: انتشارات زوار، ۶ جلد، چاپ پنجم، ۱۳۷۸.
- شرح مختصری بر چاپ سنگی. مجید غلامی جلیسه. قم: انتشارات عطف، ۸۴ ص، خشتی، ۱۳۹۲.
- فهرست اجمالی چهل مجموعه. ایرج افشار. مجله فرهنگ ایران زمین، شماره ۳، ۱۳۸۴، صص ۵۳۶-۶۲۸.
- فهرست توصیفی آلبوم‌های بیوتات. علی آل داود. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.
- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی. ابن یوسف شیرازی. تهران: چاپخانه مجلس شورای اسلامی، چاپ دوم، جلد سوم، ۱۳۵۳.
- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی. فخری راستکار. تهران: چاپخانه مجلس شورای اسلامی، جلد هشتم، ۱۳۴۷.
- فهرست کتابهای چاپی فارسی از آغاز تا آخر سال ۱۳۴۵ بر اساس فهرست خاناباا مشار و فهرس انجمن کتاب. تهران:

بنگاه ترجمه و نشر ۲ جلد، ۱۳۵۲.

- فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک. زیر نظر: ایرج افشار و محمدتقی دانش پزوه؛ با همکاری: محمدباقر حجتی، احمد منزوی. تهران: چاپخانه دانشگاه تهران، جلد دوم، ۱۳۵۴.
 - فهرست نسخه‌های خطی فارسی. احمد منزوی. تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه‌ئی، جلد ۶، ۱۳۵۳.
 - فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آیت الله العظمی گلپایگانی. علی صدراى خویی؛ ابوالفضل حافظیان بابلی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۹ جلد، ۱۳۸۸.
 - فهرست نسخه‌های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی. سید احمد حسینی اشکوری. قم: مرکز احیاء میراث اسلامی، جلد ۱، ۱۳۷۷.
 - فهرست نسخه‌های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی. سید احمد حسینی اشکوری. قم: مرکز احیاء میراث اسلامی، جلد ۱۴، ۱۳۹۷.
 - کتاب ایرانی. فرانسیس ریشار؛ ترجمه: عبدالمحمد روحبخشان. تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۵.
 - مجمل رشوند. محمدعلی خان رشوند. تصحیح: منوچهر ستوده؛ عنایت‌الله مجیدی. تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۶.
 - مطبوعات ایرانی. سیدفرید قاسمی. تهران: نشر علم، ۱۳۸۹.
 - مکاتبات ناصرالدین شاه. غلامرضا فرزانه پور. یغما، شماره ۱۵۸، شهریور ۱۳۴۰، صص. ۲۸۳-۲۸۴.
 - ناسخ التواریخ (سلاطین قاجاریه). محمدتقی لسان الملک سپهر. تهران: کتابفروشی و چاپخانه اسلامی، ۴ جلد، جلد ۳، ۱۳۵۳.
 - نور ملکوت قرآن. محمدحسین حسینی طهرانی. مشهد: انتشارات علامه طباطبائی، جلد ۱، ۱۴۱۰ ق.
 - ولایات دارالمرز ایران (گیلان). ه. ل. رابینو؛ ترجمه: جعفر خمایی زاده. رشت: انتشارات طاعتی، ۱۳۷۴.
 - ولایات دارالمرز ایران: گیلان. یاسنت لویی رابینو؛ ترجمه: جعفر خمایی زاده. رشت: طاعتی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴.
- A Catalogue of the Persian Printed Books in the British Museum. By E. Edwards. 11 x 9, v + 967 pp. London : British Museum, 1922.